



تقاضا و تغییر سریع نیازهای آموزشی به نظر میرسد دانشگاهها نیز انعطاف پیشتری به برنامه های درسی خود داده و رشته های جدید بین رشته ای را سریعتر تولید و منتشر مینمایند. حتی این موضوع فراتر از تعریف رشته ها و سرفصلهای دروس رفته و برنامه های دروس، شیوه تدریس و شیوه امتحانات نیز دستخوش تغییر و تحول زیادی گردیده اند. دانشگاهها مجازی، دانشگاههای روی خطوط اینترنتی، دانشگاههای آزاد، دانشگاههای پایان هفته، دانشگاههای پاره وقت، دانشگاههای شبانه، دانشگاههای مکاتبه ای و... همگی از انواع متعدد و جدید ساختارهای تولید کننده آموزش عالی در ابتدای قرن بیست و یکم هستند که بر اساس نیازهای جدید بازار کار و تقاضای اجتماعی آموزش عالی طراحی و اجرا گردیده اند.

۱-۴- درخواستهای جدید بازارکار و کاربردی تر شدن محصولات دانشگاهها:

بیان این نکته حائز اهمیت است که تا قبل از دهه ۱۹۶۰ دانشگاهها بیشتر برنامه های خود را مصروف تولید و نشر علوم انسانی، هنر، علوم پایه و حرفة های آزادی چون حقوق و پژوهشی مینمودند، اما در شرایط کنونی جهان، دانشگاهها به دنبال درخواستهای جدید و متنوع بازار کار بیشتر به دنبال تولید و گسترش آموزشی های فنی و حرفة ای کاربردی مثل علوم ارتباطات، فناوری اطلاعات، انتقال و مدیریت اطلاعات، علوم زیست محیطی، و حتی برنامه های بدون مدرک دانشگاهی هستند و هر روز نوع جدیدی از سطح، مدرک و یا امتیاز دانشگاهی مورد درخواست بازار طراحی، تدوین و عرضه میگردد (شاه ولی و آزادی، ۱۳۸۰).

۱-۵- دانشگاهها و روشهای جدید تامین مالی:
در سالهای اخیر و مخصوصا در جهان توسعه یافته نقش پررنگ دولتها در تاسیس، توسعه و پشتیبانی دانشگاهها کاهش یافته و با تغییر و متنوع شدن منابع مالی دانشگاهها، نیز تقاضای فزاینده برای آموزش عالی، فرست حضور موسسات خصوصی که به نیت کسب سود وارد تولید آموزش عالی میشوند، بوجود آمده است. امروزه بخش بزرگی از فضای رقابتی تولید آموزش عالی و نیز تولید تحقیقات بنیادی، توسعه ای و کاربردی در اختیار موسسات خصوصی قرار گرفته است، که با اصول مدیریت موسسات خصوصی رهبری میشوند. این موضوع به نظر میرسد فضای اشتغال، کارشناسی و

۱-۱- افزایش تقاضا برای آموزش عالی:
رونده تحول تقاضا برای آموزش عالی، روند رو به افزایشی است که در کلیه کشورهای جهان مشاهده میگردد. آموزش عالی کم کم از ماهیت وجودی کالای لوکس و مخصوص خانواده های مرغه بیرون رفته و به صورت یک کالای ضروری خودنمایی می کند. پیچیدگی فرایندهای تکنولوژیک نیازمند کارگران متخصص است. امروزه حتی ساده ترین فعالیتهای صنعتی، خدماتی و کشاورزی نیازمند مهارت و تخصص خاص هستند. بدست اوردن هر نوع شغلی در جهان قرن بیست و یکم نیازمند دارا بودن سطح مناسبی از مهارت حرفة ای است که ضرورتاً از طریق موسسات آموزش عالی و دانشگاهها تأمین خواهد شد. از طرفی نیز شرایط رقابت اجتماعی، فرهنگ، ارتباطات گسترش یافته امروزی، و رقابت خانواده ها در یک فضای فرهنگی مناسب الزام تحصیل فرزندان را تا سطوح عالی آموزش ایجاب می نماید. خانواده ها از محدوده خانواده گستره گذشته، با کاهش تعداد فرزندان، کیفیت آنها را به جای کمیت در نظر گرفته است. لذا ضرورتهای گفته شده افزایش تقاضا برای آموزش عالی را حتی در شرایطی که این آموزش منجر به تولید شغل نیز نگردد، گریبان گیر جهان قرن بیست و یکم نموده است (شاه ولی و آزادی، ۱۳۸۰).

۱-۲- تقاضای فزاینده زنان برای آموزش عالی :
سبقت گرفتن زنان از مردان برای تحصیلات عالی در کلیه مناطق جهان قابل مشاهده و تعمق است. هر چند اینگونه به نظر میرسد که تعادل و برابری در پذیرش و تحصیل در مقاطع عالی شرط ضروری جامعه دانایی محور امروز برای بقای معادل باشد، ولی زنان در سالهای اخیر و مخصوصا در ده سال اخیر گویا کلیه سالهای عقب یومن از تحصیلات عالی را در مقایسه با مردان یکباره جبران نموده اند. حضور زنان در رشته های کاملاً فنی و حاضر شدن آنها برای کار در شرایط مساوی با مردان حتی در سخت ترین شرایط کار، برابری جنسی را حتی در فرایندهای امکان پذیر نموده است که قبل از این کاملاً مردانه تعریف گردیده بودند. در شرایط خاص فرهنگی مخصوصا در کشورهای جهان سوم که تحصیل و اشتغال در بیرون منزل برای زنان دشوارتر است، امروزه مشاهده میگردد که موجهای حضور در ثبت نامها، رقابت در کنکورها، قبولی و حضور در سر کلاسهای درس دانشگاهی با بیشتر بودن گروه زنان همراه بوده و در آینده ای تزدیک سه م زنان در فضای اشتغال، کارشناسی و مدیریت جوامع به شدت مردانه جهان سوم و مخصوصا کشور ایران افزایش خواهد نمود.

۱-۳- تقاضای توده ای برای آموزش عالی:

در سالهای اول پس از جنگ جهانی دوم غالباً نخبه گان وارد دانشگاه شده و دانشگاهها نیز تمایل به تولید نخبه گان داشتند، ولی در ابتدای قرن بیست و یکم مشاهده میشود که توده های گستره ای از کلیه اقسام اجتماعی متقارضی آموزش عالی هستند، و دانشگاهها نیز در پاسخ به در خواستهای بازار کار علاقه سنتی خود را به جذب و پرورش نخبه گان، به آموزشی های حرفة ای برای توده های متقاضیان مبدول نموده و در این راستا فعالیت مینمایند. در این فضای به شدت متحول

جدول (۱) - روند تغییرات ساختاری در آموزش عالی طی چند دهه گذشته

ردیف	از	به
۱	تعداد دانشجویان (در سال ۱۹۶۰، ۱۳ میلیون نفر)	افزایش تقاضا برای آموزش عالی در سال ۲۰۰۰ به حدود ۴۵ میلیون نفر
۲	غلبه دانشجویان پسر	گشوف حضور دانشجویان دختر
۳	آموزش ادبیات، علوم انسانی، علوم محقق و حرفة های آزاد مثل حقوق و پژوهش	آموزش ادبیات، علوم انسانی، علوم محقق و حرفة های آزاد مثل حقوق و پژوهش، زیست محیطی، تئوری و پژوهش ای و مهندسی ای و فراغته ای
۴	دانشگاه نخبه پرور	توسعه ای شدن آموزش عالی
۵	غلش و کارکرد آموزشی های رسماً	تعزیز و کارکرد آموزشی های رسماً
۶	لبان برترانه های درسی	لطفاً برترانه های درسی
۷	دانشگاه دولتی	دانشگاه غیر دولتی
۸	نایاب هزینه های دانشگاه توسط دولت	نوع منابع مالی دانشگاه
۹	برترانه های درس موضعی	محل و مکمل ای شدن برترانه های درسی و عدم تمرکز آن
۱۰	برنای ریزی منظر و غیر قابل العطاف آموزش	فرایندهای آموزشی و پژوهشی مسکن نگر
۱۱	نمایانه های علمی پست، محدود و جداگانه	ارتباطات علمی با استفاده از فناوری های ارتباطی جدید و نظام نوین دانش رسالی، شارژک لطفه به لطفه در شبکه تعاون پژوهشی های جهان
۱۲	دانشگاه درونگار و در خود	دانشگاه پرسنلی و پاسخگو به محیط (ارتباط با منظمه ای)
۱۳	آموزش مستقم و حضوری	آموزش از راه دور، نقض رایانه و فناوری چند رساله ای در آموزش عالی
۱۴	بررسیگر اخلاقی و فرهنگی دانشگاه	الجیت نقش دانشگاه در تولید دانش و ایامت مهارت های تکنیکی، حرفة ای و خدمات تخصصی
۱۵	بنی تفاوت نسبت به سیستم ایدهات مالی و منطقه ای	عامل موثر و توسعه دهنده سیستم ایدهات مالی و منطقه ای
۱۶	دانشگاه جزیره ای و خارج از شهرهای تولید	دانشگاه و دانشگاهان نعلی در هر چند تولید تکنولوژی و اتصالهای مالی
۱۷	دانشگاه پیتفاوت نسبت به بازار کار	دانشگاه پاسخگو در مقابله نیازهای بازار کار

مالخ: برداشت‌های محتوایی از منابع و مأخذ توسط محققین به همراه استفاده از گزارش کنفرانس جهانی آموزش عالی در سال ۱۹۹۸





است. هر چند کشورهایی که بخواهند خلوفیت تولید و نهادینه کردن سیستم ابداعاتشان را توسعه بخشنده، میباشد زمینه معنی داری را برای بدست آوردن زیر ساختهای نسبی، نهادها و منابع انسانی آماده سازند.

کشورهایی که توانسته اند به این سطح بالای تخصصی و تکنولوژیکی دست یابند به سطحی رسیده اند که بیش از ۳۰ درصد ارزش صادراتشان را کالاهای با تکنولوژی سطح بالا تشکیل میدهند. کشورهای هندوستان و بربادی در این میان توانسته اند به سطح مناسبی از خلوفیت سیستم ابداعات ملی دست یابند (world bank, ۲۰۰۲). چند عامل مهم برای دستیابی به یک سیستم ابداعات ملی رضایت بخش وجود دارد:

نخست: عنایت به تسريع در آهنگ انجام تحقیقات علوم اجتماعی که بسیاری امور را در خصوص فرایند و ساختار ابداعات به جامعه یاد میدهد، و همین باعث رشد بدنی و زمینه ای میشود که در انتخاب سیاستها و عملکردهایی که سرمایه گذاری در توسعه منابع انسانی را موثرتر مینماید، تصمیمات موثرتر و سریعتری اتخاذ شود.

دوم: بسیاری از انجمن های علمی بین المللی با استفاده از یک بازار ارتباطی قوی، همکاریهای متقابل و مناسبی دارند. از آنجایی که همگرایی و مشارکت تحقیقاتی در راستای نهادینه کردن فرهنگ دانش مداری و مبتنی دانش اثر بخش است. این انجمن ها و موسسات بین المللی نقش بسزایی را در این راستا ایفا مینمایند.

سوم: تکنولوژیهای ارتباطی جدید، گسترش و همه گیر کردن آنها امکان تولید و نشر سریع و موثر اطلاعات و دانش را بوجود آورده، و حتی در تولید دانشهای جدید نقش اساسی را دارا هستند.

چهارم: آنچه کشورها به شدت نیاز به توجه و در دستور قرار دادن آن دارند، استفاده موثر تر از دانش علمی و تکنولوژیکی است، نه بدان گونه که خود را دچار لبه برنده تحقیقات نمایند، بلکه آن گونه که سیاستهای موثر و نهادهای توسعه یافته و ضروری علمی و تکنولوژیکی را در مسیری توسعه دهند که در موازات با تربیت مردم، بخشها و تولیدات توسعه یافته تر و جدیدی به بازار عرضه گردد (world bank, ۲۰۰۲).

چهار عامل اصلی نهادینه کردن سیستم ابداعات به نحوه موثری بر میزان تاثیرگذاری دانشگاهها در جوامع بستگی دارند. هر چند دانشگاهها نقش خود را در جامعه در حال تحول بهتر ایفا نمایند، بهتر میتوان حضور و تاثیر سیستم ابداعات ملی را مشاهده نمود. این موضوع در جهان در آستانه قرن بیست و یکم یکی از نکات قابل تعمق و توجه کشورهای جهان سومی است که به دنبال رشد درونزا و دستیابی به سیاستها و مدلها درونزا نمودن رشد اقتصادی هستند.

۳- تشكیل سرمایه انسانی و نقش محوری دانشگاهها در توسعه آن: دانشگاهها اصلی ترین تولیدکننده سرمایه انسانی و تنها پشتیبانی کننده چهارچوبی هستند که میتواند نیازهای رشد اقتصادی را در یک جامعه مبتنی بر دانش تضمین نمایند(۳). هرچند توزیع برابرتر و عادلانه تر امکانات آموزش عالی در کنار بومی بودن و بومی شدن مهارتها و نتایج تحقیقات دانشگاهی در این راستا هم میتواند جمعیت بزرگتری را زیر پوشش قرار دهد و هم مسائل کاربردی تری را در خصوص توسعه و رشد مناطق حل نماید. تاثیر نقش دانشگاهها در تولید هرچه بیشتر و بهتر سرمایه انسانی نیازمند عواملی چند است که باید به آنها اشاره نمود.

۱-۳ - تولید سرمایه انسانی سطح بالاتر و بیشتر: تولید سرمایه انسانی موثرتر و قوی تر- در حل مشکلات رشد و توسعه و در برگرفتن دامنه وسیع تری از جمعیت در عرضه این تولیدات علمی، ابعاد اصلی مساله توسعه هستند. همواره توسعه بالاتر نیاز به انسانهای توسعه یافته تر دارد و هر چقدر سطح دانش و تعداد افراد توسعه یافته بیشتر باشد،

بالاتری را هم از نظر تعداد و هم از نظر سطح در بافت اشتغال کشورها مخصوصا در تعامل با اقتصاد دنایی محور (۱) مورد علاقه بیشتر برنامه ریزان و سیاستگذاران اقتصادی بوجود آورد.

۱-۶ - منطقه ای و محلی شدن تولیدات آموزش عالی:

در گذشته شاید علت متمرکز بودن دانشگاهها در مراکز قدرت به علت نیاز به منابع مالی سنگین، عدم توان بخش خصوصی در تولید آموزش عالی، کم بودن تقاضای موثر برای آن، و نیز با هدف تولید نخبه گان برای تصدی پستهای حساس دیوانی بوده است، اما امروزه کلیه مناطق و شهرها و استانهای کوچکتر و حتی محروم نیز هر یک به سهم و نوبه خود موسسات متفاوت آموزش عالی را تاسیس نموده و به تولید نیروی ماهر و متخصص برای تصدی شغلهای حساس خود می پردازند. بومی شدن دانش از فضای جهانی به فضای محلی و پاسخ به سوالات اساسی محلی و منطقه ای با وجود اعضای هیأت علمی در دانشگاههای مستقر در استانها و مناطق محروم امکان پذیر گردیده و فرصت تعریف و اجرای پروژه های بنیادی، توسعه ای و کاربردی محلی و منطقه ای بوجود آورده است. این فرصت امروزه بسیاری از مسایل حاد مناطق محروم را ریشه یابی نموده و قدرت چانه زنی و رقابت را به این مناطق در مقابل سایر مناطق توسعه یافته تر داده است. این به معنی تولید مزیت در چانه زنی های مرسوم بین مناطق بر سر جذابتر کردن پروژه های سرمایه گذاری و نیز جذب بودجه های ملی بیشتر است. امروزه از اهم نیازهای فزاینده مناطق و استانها آموزش نیروی کار و توسعه سرمایه انسانی (نیروی کار ماهر و نیمه ماهر) است که دانشگاهها برای پاسخ به این نیاز بالاترین فعالیت را داشته و دارند.

۲- سیستم ابداعات ملی(۲) و نقش دانشگاهها در تولید و گسترش آن:

هر چند که دانشگاهها تولید کنندگان اصلی دانش و پرورش دهنده انسانی هستند، اما امروزه نقش دانشگاهها را در شکل گیری و تاثیرگذاری بر سیستم ابداعات ملی کمتر ارزیابی می کنند. دانشگاهها با تولید توده ای آموزش دیدگان فضای تفکر پیچیده، رفتار پیچیده و تقاضای پیچیده تر را در جامعه در حال تحول و دانش مدار امروزی بوجود می آورند. دانشگاهها فرصت تبدیل دانش به محصول را در چرخه های ملی، منطقه ای و محلی می دهند، و با تولید دانش بومی جدید، امکان هر بار تولید محصولات جدیدتر را از طریق اختراعات، اکتشافات و نوآوری های وسیع و نهادینه شده در اجتماع بوجود می آورند. به هر حال عامل تکنولوژی تابعی از سطح سرمایه انسانی در جامعه است و با تولید کاربردی تر و وسیعتر سرمایه انسانی در جامعه (با توزیع برابرتر) با ارائه فرصتهای ارتقای بالاتر، استعدادهای بیشتری تحت آموزش و بهره وری قرار میگیرند، و این خود یعنی چرخه ای که تکنولوژی و رشد را نهادینه و درونی مینماید. چرخه ای که تولید کننده، تضمین کننده و تامین کننده سیستم ابداعات ملی است. یک سیستم ابداعات ملی سیستمی ساخته شده از عوامل زیر است:

۱- تولید دانش سازماندهی شده در نظام آموزشی و تربیتی

۲- چهار چوب منظم و متناسب اقتصاد ملی شامل سیاستهای تجاری که بر تحول تکنولوژی مؤثر باشد

۳- بنگاههای نوآور و شبکه های کسب و کار

۴- زیرساختهای ارتباطی رضایت بخش و کافی

۵- عواملی چون پذیرش مبانی دانش جهانی و شروط اطمینان دهنده بازاری که به تکنولوژی مغطوف میگردد.

امروزه با افزایش نقش دانشگاهها در پشتیبانی و توسعه سیستم ابداعات ملی، منطق این سیستم نیز تمایل به قدرتمند تر شدن دارد و مقاضیان جدیدی برای نهادینه نمودن آن در بین کشورهای جهان سوم بوجود آمده



سومین بعد تغییر در محور توسعه سرمایه انسانی و نقش دانشگاهها، رشد جاذبه های درجه بندی و اخذ گواهینامه های با درجه بندی قابل قبول بین المللی است. در اقتصاد جهانی بنگاههای محلی در هر جایی که تولید کنند، محصولاتشان را در بازار جهانی با استانداردهای جهانی به فروش میرسانند و همواره در رقابت با بنگاههای خارجی هستند، و حتی برای دستیابی به بازارهای داخلی ضرورت رقابت با بنگاههای کشورهای دیگر را فراروی خود دارند؛ بر همین اساس تقاضا برای اخذ گواهینامه ها و درجه بندی های بین المللی روز بروز در حال افزایش است، مخصوصاً در زمینه های مدیریت و کیفیت محصول (عمادزاده و دیگران، ۱۳۸۳).

۴- دانشگاهها، یکپارچگی جهانی و دموکراسی: تطبیق تغییرات محیطی نه تنها یکی از عوامل شکل گیری نهادهای آموزش عالی است، بلکه آنها را به تکنولوژی های جدید نیز رهتمون مینماید. اطمینان از اینکه دانشجویان به داشت جدید برای مقایسه نیازهای ارزشی و زندگی در پاسخگویی و مسئولیت پذیری در جوامع یکپارچه جهانی از دموکراسی های شهرنشینی جدید تجهیز شده اند بسیار با اهمیت است. یک آموزش قرن بیست و یکم میباید همه تصورات و نیازهای انسان دانش مدار قرن بیست و یک را ظرفیت سازی نماید. این موضوع نه تنها میبایست با اخذ دانشها جدید جهانی همراه باشد، بلکه فرهنگها و ارزشها محلی را نیز دربرگرفته و برای آماده کردن انسانهای امروزی در راستای پذیرش مقوله جهانی شدن فلسفه، ادبیات و هنر که زبان مشترک همه انسانها هستند را به آنها بیاموزد.

این موضوع که افراد در یک بازار کار جهانی میبایست همگن باشند، همچنین توانایی های مهارتی و ادراکی همگنی میباید در آنها وجود داشته باشد. امکان استفاده از دانش جهانی و تأثیر گذاری بر آن، همه وهمه بر ایجاد فضای مشترک دموکراتیک و ساختارهای یکپارچه اجتماعی ملتها تاکید دارند. تشکیل سرمایه اجتماعی، درک عمومی، منافع مشترک، عضویت در شبکه های جهانی مشترک و انجمنهای مربوطه، پذیرش توافقنامه ها، قوانین و برونوکلهای مشترک، ضمانتامه ها، بیمه ها، گارانتی ها و حسابرسی های بین المللی، تامین امنیت جهانی، حفظ محیط زیست، ارتباطات بین الملل، همه وهمه به معنی حضور در یک ساختار بین الملل جدید و یک دموکراسی هم معنی با جوامعی در هم رفته است. آموزش عالی همچنین نقش مهمی در این راستا در تحرک بین الملل بعدها گرفته است. اهمیت تولید دانش مورد پذیرش عمومی، دسته بندی و انتشار آن، تولید آموزشها شهرنشینی، حرکت در همه سطوح به همراه خلق فرصت های جدید آموزشی برای همه گروهها در جامعه مخصوصاً برای مردم فقیر از ضروریات توجه آموزش عالی در تولید فرصت های برابر برای پیشرفت است (world bank, ۲۰۰۲).

۵- تغییر چشم انداز دانشگاهها و تحول در شکل و محتوا: در خلال دو دهه گذشته بسیاری از کشورها نمونه های متنوعی از بخش های آموزش عالی را تجربه کرده اند. به نظر میرسد نهادهای متنوع جدیدی در این راستا بوجود آمده اند که در کنار دانشگاههای سنتی، انسیتیووهای تکنولوژی (کوتاه مدت) و کالج های مشترک، پلی تکنیکها و مراکز آموزش عالی را در جوامع در حال تحول بوجود آورده اند. به نظر میرسد میتوان امواج تغییر در چشم انداز آموزش عالی را در فرایند تحول تاریخی ملتها دسته بندی نمود. میتوانیم موج اول را دوره ای بدانیم که نهادهای آموزش عالی دولتی بوده و به صورت سنتی به تربیت نخبه گان و تولید دانش محض پایه ای بر اساس برجستگی های خاص اخلاقی و اجتماعی میپرداختند، و تربیت شدگان این دانشگاهها نیز اغلب پستهای دیوانی و دولتی را بدست گرفته و از خانواده های مرفه بودند. دانشگاهها

میتوان نهادینه و دروزا شدن رشد و توسعه را امکان پذیرتر قلمداد نمود. اقتصادهای دانش مدار مهارت های سطح بالاتری را در ترکیب نیروی کار تقاضا میکنند. در اقتصادهای OECD نسبت شاغلین با تحصیلات عالی در حال افزایش است و در سال ۲۰۰۰ تقریباً دو برابر سال ۱۹۷۵ بوده و از ۲۲ درصد کل شاغلان این نسبت به ۴۱ درصد رسیده است (world bank, ۲۰۰۲).

مطالعات بازار کار در کشورهای کانادا، انگلستان و امریکا یک تقاضای پیوسته فزاینده را برای جوانان با سطح تحصیلات دانشگاهی نشان میدهد. مطالعات اخیر ببروی نرخهای بازده آموزش عالی در چندین کشور امریکای لاتین نشان میدهد که روند توسعه سرمایه انسانی همراستا با موفقیت این کشورها در توسعه اقتصادی است. برای مثال در آرژانتین، بربزیل و مکزیک نرخ بازده آموزش عالی رشد معنی داری در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ در مقایسه با دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ نشان میدهد (Pessino ۱۹۹۵; Barros and Ramos ۱۹۹۶; Lachler ۱۹۹۷) افزایش تقاضا برای نیروی کار با مهارت بالاتر نه تنها بر روی دستمزدها تأثیر داشته است، بلکه ببروی فرصت های استخدام نیز تاثیر گذارد است. تجارب روسیه این موضوع را تایید مینماید. هنگام فروپاشی شوروی سابق بیکاران روسیه دارای ترکیب تقریباً یکسانی از تحصیل کرده و یا غیر آن بودند، در حالی که در سال ۱۹۹۶ این نسبت به شدت برای افراد با تحصیلات عالی کاهش یافته است (Foley ۱۹۹۷).

۳- آموزش و تربیت مدام العمر:

دومین بعد در محور توسعه سرمایه انسانی و تغییر نگاه دانشگاهها در این موضوع مهم، تغییر در نیازهای آموزشی و تربیتی، دانش، مهارت و اشتغال، پیوستگی و بهنگام سازی ظرفیتها و کیفیت سرمایه انسانی افراد در طول دوران زندگی آنهاست. در کشورهای OECD روشهای سنتی مطالعه در دوره های محدود و مجزای زمانی برای بدست آوردن مدارک متوسطه و دانشگاهی تا قبل از زندگی حرفة ای با یک مدل آموزش و پرورش مدام العمر جایگزین شده اند. مفهوم "یادگیری مدام العمر برای همه" در سال ۱۹۹۶ بوسیله وزارت آموزش و پرورش کشورهای OECD پذیرفته شد و این نشان دهنده دیدگاه جدیدی در اتخاذ سیاست های آموزش و پرورش بر پشتیبانی از توسعه بر مبنای دانش بود (world bank, ۲۰۰۲).

روش یادگیری مدام العمر بر یادگیرندگان و نیازهای آنها مبتنی است. کارگران دانشجو، دانشجویان تمام وقت، دانشجویان درخانه، دانشجویان در سفر، دانشجویان پاره وقت، دانشجویان روزانه، دانشجویان شبانه، دانشجویان پایان هفته و ... نمونه های جدیدی از تقاضاهای جدید هستند که بر اساس ضروری بودن برنامه ها و تمایل یادگیرندگان، چندین برنامه یا نهاد موازی برای پاسخگویی به این نیازها طراحی و اجرا خواهد شد.

موضوع با اهمیت دیگر شتاب یافتن و گسترش تکنولوژی و علم در جهتی است که تاکید بر بخارطه اوردن محاسبات و حقایق سریع و بر مبنای داده ها و نیز اهمیت یافتن مهارت های تحلیلی سریع بیش از پیش دارد. امروزه یادگیری نیاز به افزایش میانی و ظرفیت دریافت و پذیرش دانش و استفاده از آن برای حل مسائل را دارد، یادگیری چگونه یادگرفتن، یادگیری تغییر شکل دادن به اطلاعات و تبدیل آن به دانش جدید از طریق دسته بندی های متنوع و جدید، یادگیری انتقال دانش جدید و کاربردی کردن آن، مهمتر از بخارطه سپردن اطلاعات تخصصی است. این اصل بنیادی مهارت های تحلیلی جدید است که توانایی جستجو و دریافت اطلاعات، ابهام زدایی در توضیح، مدل بندی و نوشت آن به شکل آزمون پذیر، آراستن و ارزشگذاری هنگام ارائه و حل مسائل به دنبال دارد.

۳-۳- اخذ گواهینامه ها و درجات کیفی بین المللی:





پاسخگویی به نیازهای متنوع و جدید جامعه و مخصوصاً بازار کار ارائه دهنده، اما به نظر میرسد مواردی وجود دارد که دانشگاهها را در مقابل چالشهای بزرگی قرار می‌دهند. مواردی که بیشتر در محظوظ و کمتر در شکل، کارایی و اثر بخشی دانشگاهها را تحدید مینمایند. این تحدیدها جدی است و در فضای امروزی، انقلاب مدیریتی میباشد در مواجهه با مدیریت دانشگاهها چاره‌ای برای آن یافتن نیست. چالشهایی که امروز آموزش عالی با آنها مواجه است از این قرارند:

۶-۱- کنترل کیفیت و تعیین استانداردهای آموزشی: آنچه در یک چرخه و جریان تحول مشاهده میشود، تحول و تغییرات اساسی در شکل و محتوای دانشگاههاست. دانشگاهها توانته اند به درستی محتوا و نحوه ترکیب بندی اجزای خود را تغییر دهنده، اما هنوز ابزارهای سنجش کیفیت آموزش عالی در فارغ التحصیلان آنها پسیار ناکارآمد است و اختلاف فاحشی بین سطوح توان کارشناسی و تخصصی فارغ التحصیلان دانشگاههای متفاوت دیده میشود. تفاوت‌هایی که گاه اصالت بعضی مدارک دانشگاهی را زیر سوال میرد و هنوز استاندارد آموزشی در شناسایی کیفیت محصولات متنوع وجود ندارد.

آزمونهای سنتی و نحوه سنجش توان تخصصی و مهارتی دانشجویان هنوز دستخوش تغییر اساسی نشده است. هر چند روشهای علمی یادگیری و اصول روانشناسی آن ناکارآمد بودن شیوه آزمون کنونی را که وابسته به نظر استاد درس بوده و نمیتوان برای هیچ دو استادی صفر مطلق یکسانی برای میزان یادگیری دانشجویان فرض نمود، ثابت نموده است، ولی تا کنون روشهای جدید و مناسبی برای جبران ناکارآمدی در شناسایی کیفیت و استاندارد سازی سطح اطلاعات، تولید و عرضه نگردیده است. این موضوع به عنوان یکی از مهمترین چالشهای فارروی آموزش عالی خودنمایی مینماید. نکته قابل توجه در این فضای این است که واکنش کارفرمایان هنگام استخدام این فارغ التحصیلان ناهمگن نظام آموزش عالی چگونه است و چگونه باید باشد؟ این نکته تلاش در راستای همگن سازی و تعریف استاندارد منطقی و صحیح در تعامل با بازار کار را الزامی غیر قابل اغماض مینماید.

۶-۲- عدالت آموزشی و توزیع فرصت‌های ارتقاء : عدالت آموزشی برای توزیع فرصت‌های برابر ارتقاء را میتوان در ابعاد عدالت جغرافیایی، عدالت طبقاتی و عدالت جنسی دنبال نمود. عدالت جنسی که به نظر میرسد موضوعی حل شده باشد و حضور زنان در امواج گسترده در سالهای اخیر حتی سیاستگذاران را بر آن میدارد که برای افزایش انگیزه و امکان ورود مردان تا به حد برابر زنان در دانشگاهها دست به اقداماتی بزنند. عدالت جغرافیایی و عدالت طبقاتی خود را در واژه‌های برابری جغرافیایی و برابری طبقاتی نشان میدهند. هر چند دانشگاهها امروزه توانته اند در مناطق دور افتاده تر و مخصوصاً محروم خدمات خود را ارائه نمایند، ولی هنوز طبقات محروم بسیاری از آموزش عالی محروم هستند و فقر ملتها مانع جدی در دسترسی آنها به آموزش عالی گردیده است. مخصوصاً با تغییر فرایندهای مدیریتی و منابع مالی دانشگاهها که بخش خصوصی را فعالتر در عرصه این بازار نموده است و جبران هزینه‌های این مؤسسات خصوصی برای اشار آسیب پذیر و مخصوصاً محروم‌مان جامعه امکان پذیر نیست. به نظر میرسد چالش مهم دوم در مقابل دانشگاهها، پاسخگویی به این نیاز یعنی توزیع برابرتر جغرافیایی و طبقاتی آنهاست. قابل ذکر است تمرکز نیروهای انسانی آموزش دیده دانشگاهی در برخی مناطق جغرافیایی جذاب و خالی ماندن سایر مناطق از این نیروها، عدم تعادل در بازار کار که منجر به مهاجرتهای اجباری نخیله گان و تخلیه مناطق محروم از سرمایه انسانی در پاسخ به تفاوت‌های ساختاری در دستمزدها و سایر عوامل تصمیم میگردد را به دنبال داشته باشد. با این وجود به نظر میرسد افزایش امکانات و

در مراکز قدرت قرار داشته و تامین مالی آنها اغلب از طریق بودجه‌های دولتی صورت میگرفت. دانشگاههایی درونگرا با غلبه جنسی مردان و محصولاتی با برد ملی و جهانی، و توزیعی کاملاً نابرابر از نظر جغرافیایی. موج دوم زمانی شروع شد که نهادهای بخش خصوصی توان و تمایل حضور در تولید آموزش عالی را بدست آورده و حکومتها نیز به سطحی از بلوغ رسیدند که به بخش خصوصی در این زمینه اجازه فعالیت دادند. دانشگاههای جدید منابع مالی خود را متنوع نموده و بر اساس اصول تجاری اداره شدند. تغییر در نگرش مدیریتی دانشگاهها محصولات آنها را متنوع ساخت و نحوه اداره کردن متفاوت دانشگاهها، فرایندهای آموزشی را دستخوش تغییر نمود. این فضا فرصت بهره برداری اقتدار بیشتری را در جوامع از آموزش عالی بوجود آورد و همین روند توسعه و رشد اقتصادی کشورهای جهان سوم را با بهره برداری از این فرایندها و محصولات جدید امکان پذیرتر نمود. رفته جمعیت بزرگتری برخوردار از خدمات آموزش عالی گردیدند و بیداری اجتماعی توانته در جوامع یکپارچه شده جهانی سیل تقاضای توده ای برای آموزش عالی را رقم زند. تقاضایی که دیگر حتی دانشگاههای خصوصی نیز با برنامه‌های متنوع و گسترده توانته شد به پاسخ آن برخیزند. ظرفیت تقاضای آموزش عالی در سراسر جهان شدت گرفت و مخصوصاً زنان در مواجهه با موج بیداری و جنبش‌های توسعه انسانی به سود زنان، نقشهای مهمتر و بیشتری را در جوامع بدست گرفته، تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی را با سرعان شتابناک گسترش دادند. تقاضایی که در سراسر جهان تولید کنندگان آموزش عالی را ناکام از پاسخ گذاشت، چرا که ابزار و امکان عرضه آن حتی با تامین منابع مالی در دسترس نبود و به یکباره نیز امکان تجهیز آن وجود نداشت.

موج سوم تولید آموزش عالی زمانی شکل گرفت که در فضای شدیداً رقابتی عرضه و تقاضای مؤثر مناسب، میباشد توزیع و ابزار عرضه آموزش عالی را عوض نمود و برای پاسخ به تقاضاهای محلی و منطقه‌ای اقدامات اساسی نمود. این موج به بومی کردن دانش، پاسخ به تقاضاهای منطقه‌ای و بومی و نیز تامین نیازهای تخصصی غیر ملی و جهانی انجامید، و نهادهای متنوعی را با اسکال رقابتی در مباحث آموزشی، مدارک تحصیلی و مفاهیم آموزشی و تقریباً موفق در شکستن محدودیتهای جغرافیایی، بوجود آورد. نهادهایی از این دسته:

- ۱- دانشگاههای مجازی؛ شامل دانشگاههای روی خط و ...
- ۲- دانشگاههای آزاد؛ شامل دانشگاههای با قوانین بازتر، مدارک بدون درجه بندی، بدون کنکورهای ورودی، منابع مالی آزاد، و خارج از قید و بندهای قوانین دست و پاگیر.
- ۳- دانشگاههای مشارکتی؛ شامل دانشگاههایی با استفاده از امکانات، تجهیزات و اعضای هیأت علمی سایر دانشگاهها که میتوانند در یک منطقه جغرافیایی دیگر نیز خدمات رسانی کنند و یا در دانشگاههای کوچکتر مدارک و مدارج عالی کارشناسی ارشد و دکتری را تولید نمایند.
- ۴- نهادهای غیر دانشگاهی آموزش عالی؛ شامل مؤسسات پژوهشی وابسته به شرکتهای بزرگ، موزه‌ها، آزمایشگاهها، خبرگزاریها و سایر مؤسساتی که در قیود دانشگاه بودن نیستند ولی تولیدات دانشگاهی دارند.
- ۵- کارگزاران آموزش عالی شامل دفاتر نمایندگی رسمی و غیر رسمی که دانشگاههای بزرگ در مناطق جغرافیایی متفاوت سایر کشورها احداث نموده، از طریق شناسایی نخبه گان محلی و سرفصلهای خود ترکیب مناسبی را برای تربیت نخبه گان جدید تحت لیسانس و مدرک تحصیلی خود بوجود می‌آورند.

۶- چالشهای فارروی آموزش عالی در قرن بیست و یکم: هر چند تحولات شگرفی در فرایند، محصول، شکل و محتوای دانشگاهها صورت گرفته است و دانشگاهها هر بار توانته اند نتایج بهتری را در



ویا اجتماعی برای آموزش عالی باشد و اگر دانشگاهها به دنبال نظام پرداختهای اجتماعی محصولات خود را تولید و عرضه نمایند، آیا تخصیص منابع داخلی و خارجی به صورت کارا صورت گرفته است؟ میدانیم که نظام پرداختهای اجتماعی در مقابل بسیاری از رشته های دانشگاهی محض و رشته های پایه ای اصیل عالمتهای کامل و مؤثری منتشر نمی نمایند آیا این رشته ها میباشد از سرفصل رشته ها حذف گردند؟ و منابع در اختیار آنها به رشته های دیگر منتقل گردد؟ به هر حال یکی از چالشهای اصلی آموزش عالی در قرن بیست و یکم تطابق، تقابل و یا هم سویی با نظام پرداختهای اجتماعی خواهد بود.

تجهیزات و امکان دسترسی بیشتر محرومان به دانشگاهها و اعضای هیأت علمی با روشهای دانشگاه مجازی، آزاد و یا مشارکتی میتواند یکی از توزیعهای از نوع تقریباً پارتوبی^(۴) باشد، چرا که در این راستا همه افسار امکان بهره برداری بیشتری بدست می آورند و شاید توان گروهی را یافت که زیان دیده باشد. لذا توصیه کارشناسان این زمینه به سیاستگذاران همواره با یک پشتونه مناسب علمی نیز همراه است و تغییرات پارتوبی همواره بهترین تغییرات و تخصیصهای مجدد در توزیع های مجدد هستند.

۶-۳- انقلاب مدیریتی :

هر چند تحولات در علم مدیریت مخصوصاً پس از جنگ جهانی دوم و برقراری اصول دمینگ^(۵)، جهان مدیریت را دگرگون نموده است و این تحولات نیازهای جدیدی را برای استفاده بخشها و بنگاههای اقتصادی از آموزش عالی هم از نیروهای تربیت شده و هم از تحقیقات بنیادی، توسعه ای و کاربردی بوجود آورده است. اما همواره این سوال اساسی وجود دارد که نحوه نهادینه کردن اصول دمینگ در بهره وری و مدیریت دانشگاهها چگونه باید باشد و آیا کارایی خارجی و داخلی آموزش عالی در انتساباً بالا اصول دمینگ در مدیریت سنجیده شده است؟ آیا دانشگاهها برای مدیریت تحول و پاسخگویی به نیازهای روز میتوانند از اصول دمینگ استفاده کنند و آیا این اصول در پاسخ به نیازهای به شدت فزاینده روز آموزش عالی کافی هستند و یا میبایست الگوهای جدیدی را طراحی نمود؟

۶-۴- فناوری ارتباطات و اطلاعات :

امروزه تولید اطلاعات و انتقال آن به شدت فضای رقابت بین کشورها را به خود اختصاص داده است. اقتصادهای توسعه یافته تجربه توجه به این مقوله را به گونه ای در جهان منتشر نموده اند که اصلی ترین هدف توسعه در کشورهای جهان کمتر توسعه یافته حر کت در این راستا گردیده است. با توجه به نوع هدف و زنجیره فعالیتهای مورد نظر آن دانشگاهها به عنوان موسسات و بنگاههای اقتصادی - اجتماعی در مرکز توجه تعریف میگرددند. با این وصف به نظر میرسد یکی از چالشهای مهم فراوری آموزش عالی دسته بندی، پردازش، فرآوری و انتشار دقیق و درست این اطلاعات باشد.

۶-۵- آموزش عالی و نظام پرداختها :

قاعدهاً نظام پرداختهای اجتماعی حاکی از پرداختهای اجتماعی در مقابل دریافت خدمت و یا کالایی است که مورد استفاده است. آنچه به نظر میرسد این موضوع است که آیا همواره نظام پرداختهای اجتماعی میتواند عامل درست و دقیق در نشان دادن نیازهای تخصصی و حرفه ای

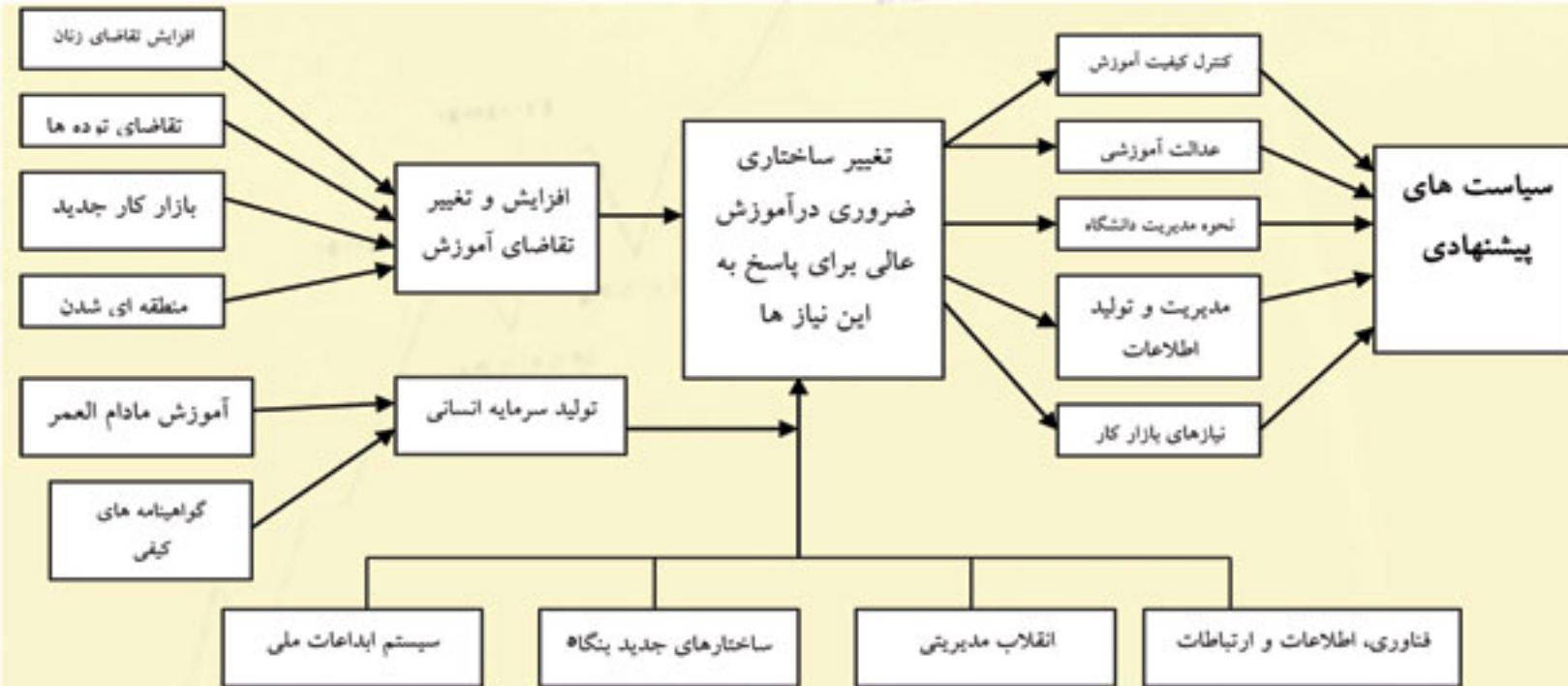
۶-۶- دانشگاهها و بیکاری^(۶) :
هر چند دانشگاهها همواره در فرایند رشد و توسعه اقتصادی نقش محوری را بازی نموده اند. اما چالش بزرگ بیکاری - چه بیکاری عمومی و چه بیکاری فارغ التحصیلان - یکی از مهمترین عوامل پیش روی دانشگاههای است که کارایی خارجی آنها را زیر سوال میبرد. غالباً این موضوع بسیار با اهمیت است که وقتی دانشگاهها تولید کننده سرمایه انسانی هستند و نیروی متخصص و ماهر تولید میکنند، اگر پیش بینی صحیح و برنامه ریزی دقیقی در این زمینه نداشته باشند، همواره اینگونه نیست که بازار بتواند با تخصیص رقباً کلیه فارغ التحصیلان آنها را به اشتغال درآورد و شکست بازار در این زمینه ضرورت حضور دخالت در فرایندهای تولید سرمایه انسانی و نیروهای متخصص و ماهر از طریق پیش بینی و برنامه ریزی را ایجاد مینماید. از سوی دیگر همواره یکی از نیازهای اساسی دولتها به دانشگاهها کاهش تنش های اجتماعی و زیان بیکاری از طریق سیال کردن بازار کار است. در غیر این صورت اینگونه به نظر میرسد که دانشگاهها کارایی خارجی خود را از دست خواهند داد این سوال یکی از چالشهای اساسی فرا روی آموزش عالی در قرن بیست و یکم خواهد بود (لاماس، ۱۳۸۱).

۶-۷- دانشگاهها و بازار کار :

در قرن بیستم همواره مدرک دانشگاهی کلید طالبی بازار کار بوده و کارایی خود را در تضمین اشتغال دارندگان آن نشان داده است، اما سوال اصلی در اینجاست که آیا در قرن بیست و یکم مدرک دانشگاهی هنوز کلید طالبی بازار کار است و یا اینکه دانشگاهها میباشد برای حفظ جایگاه خود در بازار کار، کلید طالبی جدیدی را طراحی و تولید نمایند تا نقش اساسی خود را در بازار کار حفظ نمایند.

۷- جمع بندی و نتیجه گیری :

چارچوب نموداری زیر به نوعی جمع بندی مطالب عنوان شده در این نوشتار را نشان می دهد



نمودار(۲): چارچوب تحلیلی و نتیجه گیری در فرآیند تحولات جهانی والزمات تحول در نقش دانشگاه ها بر اساس نگرش مقاله





تقاضای صنایع با تکنولوژی بالا در بخش موتناز و بازار محصولات این صنایع، ...).

ب- نسبت به تغییر جهت فعالیتهای پژوهشی کنونی از تحقیقات مقاله محور بدون تقاضا به سمت تحقیقات مساله نگر مقاله دار با پوشش نیازهای جامعه، اقتصاد و بازار دانایی محور امروزی اقدام نمود (به نظر میرسد بتوان با راهکارهایی چون تعریف موضوعات پژوهشی برای دانشگاهها توسط بنگاههای اقتصادی ، تسهیل و اعطای امتیاز مناسب به تحقیقاتی که منجر به اختراع یا فناوری خاصی میگردند، انجام تحقیقات مشترک با دانشگاههای خارجی و ...).

ج- نسبت به تعریف ، تدوین اساسنامه و روشهای کار و تاسیس دفاتر اعطای خدمات مشاوره ای در تمامی رشته های مورد نیاز جامعه متتحول شده و دانش محور امروزی اقدام نمود (در کلیه رشته های دانشگاهی مخصوصا دفاتر مشاوره مدیریت، کیفیت محصول و استانداردها، مشاوره های فنی و خدمات آزمایشگاهی، مشاوره های خانوادگی و اجتماعی، مشاوره های مالی و اقتصادی، مشاوره ها و انجام طرحهای مطالعاتی مورد نیاز سازمانها و موسسات، مشاوره های سرمایه گذاری و ...).

۳- سیستم ابداعات بدون وجود زیر ساختهای ارتباطی کافی و رضایت بخش نهادینه نمی گردد. پیشنهاد می گردد بودجه جدا و مشخص جهت تجهیز و راه اندازی دانشگاه ها به ساختهای تولید و انتقال اطلاعات بر اساس فناوریهای جدید اختصاص یابد.

۴- پیشنهاد می گردد در راستای عنایت به تسريع درآهنگ انجام تحقیقات علوم اجتماعی سیاست های مناسب طراحی و منابع مالی لازم اختصاص یابد

۵- پیشنهاد می گردد جهت تشکیل نهادها و انجمن های بین المللی علمی و تکنولوژیکی اقدام و امکان ارتباط بین دانشگاه ها و این نهادهای بین المللی بیش از پیش تسهیل گردد.

پاداشتهای متن:

APEC-۱ اقتصاد دانایی محور را اقتصادی می دارد که در آن تولید توزیع و مصرف دانایی موتور اصلی رشد اشتغال و عامل اصلی تولید پاشرده مطالعه بیشتر مراجعه شود به (Smith, ۲۰۰۳)، (OECD, ۲۰۰۱)، (OECD, ۲۰۰۱).

۲- رشد داخلی نوآوری و ابداع از طریق همکاری درونی چند قسمت از یک بنگاه مثل بخشهای R&D، فنی و مهندسی، تولید، کنترل کیفیت، تحقیقات بازار و - و رشد برونوی آن در قالب همکاری یک بنگاه با سایر بنگاهها، حتی مشتریان و بازارها، تولید کنندگان دانش و فن، دانشگاهها و مراکز تکنولوژی، مؤسسات مالی و اعتباری، مؤسسات آموزشی و آموزش عالی دستگاههای حقوقی و لایحه و - تحقق یافته، منجر به افزایش ظرفیت بنگاه برای نوآوری و به نوعی شکل کثیر و تقویت سیستم ابداعات می گردد (Toddling, ۲۰۰۱)، (Kaufmann & Todtling, ۲۰۰۱). با این وصف میتوان سیستم ابداعات را سامانه ای دانست که تولید و عرضه کالاها و خدمات جدید برای بنگاهها و جدید برای بازار را همیشگی و مستمر می سازد لذا یک سیستم ابداعات شامل همه نهادهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، سازمانی و سایر عناصری می شود که در تولید توسعه، انتشار و توزیع، استفاده و بهره برداری از ابداعات و نوآوری ها مؤثر هستند (دل انگیزان و دیگران، ۱۳۸۳)، (جهت مطالعه بیشتر مراجعه شود به: دل انگیزان، ۱۳۸۳).

Freeman, ۱۹۹۵, a), (Chang, ۲۰۰۲), (Carbonara, ۲۰۰۴), (Nelson & Rosenberg, ۱۹۹۲), (Shapira, klein & kuhelman, ۲۰۰۱), (Edquist & Hummen, ۱۹۹۹), (Shyu, Chiu & Chen, ۲۰۰۱), (Edquist, ۱۹۹۷)

۳- نظریه سرمایه انسانی که از دهه ۱۹۵۰ در اقتصاد مطرح گردیده است تحول زیادی را در بازنگری بسیاری از نظریات اقتصادی قبل از خود و قدرت تبیین مناسبی را در نظریات اخیر اقتصادی بوجود آورده است. در این مقاله بدون اشاره به اصول و یافته های این نظریه تهیبا با عنوان نمودن اصطلاح سرمایه انسانی نقش مؤثر توانایی های کیفی و مهارتی نیروی کار را در اقتصاد دانایی محور امروز مورد تأکید قرار میدهیم. برای دسترسی به مطالعه مفیدی در خصوص این نظریه مراجعه کنید به: (عmad زاده, ۱۳۸۲) و (هینجلیف, ۱۳۸۲).

۴- بهینه پارتو حالتی است که توان با یک تولید و توزیع مجدد مطلوبیت یک یا چند نفر را بدون کاهش در مطلوبیت دیگران افزایش داد (Handerson & Quant, ۱۹۸۰)

۵- اصول دمینگ: اصول مدیریت کیفیت جدید که تعریف مجددی از بنگاه، محصول و مشتری را نه داده و استانداردها و الزملات جدیدی را برای رعایت توسعه تولید کنندگان مطرح مینماید همگی از تابع نظریات مدیریت جدید هستند که بروفسور دمینگ را نه دهنده آن بود.

۶- جهت مطالعه بیشتر مراجعه شود به: (Galal, ۲۰۰۷)، (Brauns, Gangl & Scherer, ۱۹۹۹)، (Mincer, ۱۹۹۱, b).

این مقاله ابتدا به موضوع تحول در فرایندها و محصولات آموزش عالی و تغییر در نقش آفرینی آن در جامعه پرداخت. این تغییر و تحول مخصوصا در چهل سال اخیر منجر به تغییر عملکرد دانشگاهها از فضای نخبه پروری، غلبه دانشجویان پسر، آموزش ادبیات، علوم انسانی و علوم محض، نقش و کارکرد محدود، ثبات برنامه های درسی، دولتی بودن سیاستگذاری و تامین مالی، مرکز بودن، غیرقابل انعطاف بودن، درونگرا بودن و پرداختن به آموزشها مستقیم و حضوری، به فضای جدید توده ای شدن آموزش، گسترش حضور زنان در دانشگاهها، گسترش آموزشها فنی و حرفه ای، آموزشها میان رشته ای و فرارشته ای، تنوع نقش و کارکرد دانشگاهها در تولید آموزش، انعطاف پذیری برنامه های آموزشی، سرمایه گذاری و نقش آفرینی مؤسسات غیر دولتی در سیاستگذاری، تنوع منابع مالی و خودگردانی دانشگاهها، محلی و منطقه ای شدن برنامه ریزی درسی و عدم مرکز آن، بروونگرا شدن و پاسخگویی به سوالات محیط اطراف، آموزش از راه دور، نقش رایانه، IT ICT، و فناوری چند رسانه ای در آموزش عالی و توجه به سیستم ابداعات ملی، گردید.

در قسمت بعدی مقاله سیستم ابداعات ملی به عنوان یک اصل مورد بررسی قرار گرفت و برخی از عوامل مؤثر بر تولید و گسترش آن بیان گردید. در این خصوص عنایت به تسريع در آهنگ تحقیقات علوم اجتماعی، تشکیل نهادها و انجمن های بین المللی و توسعه ارتباطات بین آنها و دانشگاه ها و نیز استفاده از تکنولوژی های ارتباطی جدید مورد تأکید قرار گرفت. بخش سوم مقاله به بحث تولیدی سرمایه انسانی به عنوان عامل اصلی رشد و توسعه اقتصادی پرداخت که در آن به موضوعات تولید سرمایه انسانی بالاتر و بیشتر، آموزش و تربیت مادام العمر و اخذ گواهینامه های بین المللی تأکید شد. قسمت چهارم به موضوع یکپارچگی جامعه جهانی و نقش دانشگاه ها در نهادینه کردن دموکراسی در جامعه جهانی اشاره شد و در این راستا روند تاریخی تحول در آموزش عالی به صورت موجه ای سه گانه به بحث و بررسی گرفته شد.

این بحث با معرفی پنج گروه از نهادهای جدید آموزش عالی و عرضه کننده محصولات دانشگاهی هرچند با ماهیتی غیر دانشگاهی به پایان رسید. در قسمت انتهایی مقاله چالشها که آموزش عالی در ابتدای قرن بیست و یکم با آنها مواجه خواهد بود مورد معرفی قرار گرفت. انجار کنترل کیفیت و استانداردسازی فارغ التحصیلان ، انقلاب مدیریتی، انفجار اطلاعات، عدالت آموزشی و توزیع برابر فرصت های ارتقاء، آموزش عالی و نظام پرداخت ها، آموزش عالی و بیکاری و نیز آموزش عالی و کلید حلایی بازار کار مباحثی بودند که به عنوان چالش فارروی آموزش عالی خواهند بود.

۸- پیشنهادات

در انتهای می توان پیشنهادات زیر را که بر گرفته از مطالب متن هستند عنوان نمود.

۱- با توجه به تقاضای فزاینده توده ای در همه اقسام اجتماعی برای آموزش عالی ضرورت دارد تا دانشگاههای ایران و مخصوصا نظام آموزش عالی در راستای افزایش سقف پذیری از دانشجویان اقدام نموده و گروههای بزرگتر را تحت آموزش قرار دهند.

۲- با توجه به تحول در بافت تقاضای محصولات دانشگاهها ضرورت دارد تا سه محور اصلی مورد عنایت سیاستگذاران نظام آموزش عالی قرار گیرد:

الف- نسبت به تعریف دوره های جدید آموزشی با مدرک و بدون مدرک مورد تقاضای بازار کار در راستای پرورش کارگران ماهر و نیمه ماهر و بخصوص در رشته های جدید بین رشته ای اقدام نمود (علوم ارتباطات، فناوری اطلاعات ، تولید و مدیریت و انتقال اطلاعات، خدمات زیست محضی، رشته های مرتبط با جهانگردی، رشته های خدمات فنی مورد





- * مهندس فاروق یوسفی
- * عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران
- * عضو هیئت نمایندگان اتاق کرمانشاه
- * نایب رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق ایران
- * رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق کرمانشاه

مزیت های نسبی تولید رویکردی بنیادین در برنامه ریزی راهبردی توسعه‌ی کشاورزی

فرآیند تولید با صرف و بکارگیری نهاده های همچون سرمایه، نیروی انسانی با فناوریهای انسان افزار و فن افزار و نیز با استفاده از موهبت منابع طبیعی از ابتدای تاریخ با بشر همراه و همقدم بوده است. وجود و یا عدم وجود هر یک از نهاده های مورد نیاز باعث می گردد که یک شغل تولیدی در یک ناحیه‌ی جغرافیایی امکان پذیر باشد یا خیر، که این موضوع تحت عنوان مزیت مطلق تولید در نظر گرفته می شود. عنوان مثال تولید خرما در قصرشیرین یک مزیت مطلق است که در شهری مانند همدان در شرایط متعارف وجود ندارد.

ولی در زمانی که در دو یا چند محل امکان راه اندازی و تولید یک محصول وجود داشته باشد رویکرد مزیت نسبی مطرح است. مثلا در هر ناحیه‌ای که قیمت تمام شده محصول کمتر باشد و یا شرایط مناسبتری برای عرضه کالای تولیدی وجود داشته باشد، در آن ناحیه مزیت نسبی برای تولید آن کالای خاص وجود دارد.

در کشاورزی امروز، این موضوع توسعه همواره یکی از جدی ترین مباحث بوده و هست که با تغییر دولت ها این موضوع رنگ و بوی دیگری به خود می گیرد. موضوعاتی از قبیل توسعه پایدار و ضرورت در نظر گرفتن ملاحظات زیست محیطی و حفظ منابع برای نسل های آتی از جمله مؤلفه هایی است که در تمام شرایط می باشد مورد اهتمام و توجه جدی قرار گیرد و رعایت آنان در همه‌ی حالات و در تمام زمانها و مکانها ضروری است.

در شرایط کشور ما، با توجه به اصل کمیابی منابع در بخش کشاورزی و صدمه پذیر بودن منابع آب و خاک، دقت نظر و رعایت کلیه‌ی موارد با نگاهی دوراندیشانه به وضعیت حال و آینده محصولات می تواند راهگشایی بسیاری از مشکلات جامعه اقتصادی کشور ما باشد. کشاورزی از طرفی به عنوان بخش مادر و تولیدکننده ماده‌ی اولیه‌ی بسیاری از صنایع میان دستی و پائین دستی خود، و از طرف دیگر تضمین کننده‌ی سلامت جامعه با تولید غذایی سالم، می باشد مورد التفات ویژه‌ای در فرآیند برنامه ریزی اقتصادی کشور قرار گیرد.

تولید محصولات پاک و ارگانیک، هدف گذاری بازار کشورهای همسایه، اصلاح روشهای برداشت، بسته بندی، حمل و نقل و نگهداری محصولات همراه با عرضه‌ی سالم قطعاً تراز کمی و کیفی فزاینده و توأم با افزایش بهره‌وری را در این بخش رقم خواهد زد.

بکارگیری معقول عوامل تولید و پرهیز از اصراف و هدردادن این منابع منتج به اتفاقی مبارک، تحت عنوان انتقال منابع می شود. انتقالی از آن دست که در کنار بکارگیری عامل انسانی و نیروی کار در محل مناسب خود از سایر عوامل تولید نیز به میزان کافی و مورد نیاز و با پرهیز در سرمایه گذاری و صرف انرژی در حوزه‌های ناکارآمد خواهد داشت و کلید طلایی این امر شناسایی و بکارگیری از مزیت های نسبی در بخش کشاورزی است.

وجود و یا عدم
یک از
نهاده های
مورد نیاز
باعث می
گردد که یک شغل
تولیدی در یک
ناحیه‌ی جغرافیایی
امکان پذیر باشد
یا خیر، که این
موضوع تحت
عنوان مزیت
مطلق تولید در نظر
گرفته می شود.





آیا بازار آزاد مانع از فساد و رانت جویی می شود؟ فرضیه های اقتصاد نولیبرالی در بوتھی نقد

* علی دینی

حمایت از کارآفرینان و نیروهای پیشروی جامعه باشد، در این صورت دارای حداقلی از کیفیت خواهد بود تا تمایل به سوءاستفاده از امکانات دولتی را حداقل و میزان کارایی اقتصادی را حداکثر کند.

علاوه براین، به نظر می رسد که رانت در تمامی اقتصادها وجود دارد. نمونه ای بارز آن، رانت بورسیه های آموزشی است که به دانشجویان و محققان ارایه می شود؛ اعتبارات و ارز ارزان قیمت موارد دیگری از رانت هستند. مساله ای اصلی بر سر بود یا نبود چنین امکاناتی نیست بلکه بر سر نحوه ای توزیع آن هاست. دغدغه ای اصلی دیوید ریکاردو که برای اولین بار به موضوع رانت پرداخت در اصل توزیع درآمد در جامعه و تاثیر آن بر رشد اقتصادی بود.

می دانیم که رانت از نظر ریکاردو به عنوان اجاره ای افزایش یافته ای اراضی کشاورزی تعریف می شد که عاید مالکان این اراضی، بدون هیچ گونه کار و تلاشی به هنگام افزایش جمعیت و رشد قیمت محصولات کشاورزی می شد. افزایش قیمت محصولات کشاورزی نیز به افزایش دستمزدهای معیشتی نیروی کار شاغل در بخش صنعتی می انجامد.

چنانچه فرض بر ثابت ماندن قیمت محصولات صنعتی گذاشته شود، می توان نتیجه گرفت که رابطه ای مبادله به نفع زمین داران تغییر می کند و توزیع درآمد را به نفع این طبقه تغییر می دهد. تا اینجا مشکل چندانی به جز بحث توزیع وجود ندارد. اما، از نظر ریکاردو مساله این است که زمین داران مصرف و لخچ اند و بنابراین تمایلی برای اینباشت سرمایه منابع به دست آمده ندارند. در نتیجه، توزیع درآمد به نفع این طبقه، در تحلیل نهایی موجب محدود شدن ظرفیت های تولیدی و محدود شدن رشد در آینده می شود. اگر، این طبقه دارای میل نهایی به سرمایه گذاری بالایی باشد، از نظر ریکاردو مشکلی وجود ندارد؛ چرا که ظرفیت های تولیدی در بخش کشاورزی با اینباشت سرمایه جدید افزایش می یابد و به افزایش عرضه ای محصولات این بخش منجر می شود؛ با تامین تقاضای جمعیت رو به رشد قیمت محصولات کشاورزی کنترل پرداختن صرف به میزان و درجه ای دخالت دولت به جای کیفیت دولت به نتیجه گیری نادرست می انجامد از جمله اینکه «رانت جویی» ریشه در حجم دخالت دولت در اقتصاد دارد. اگر دولتی دارای سازمان درونی قوی باشد و از طرف دیگر الگوی حامی پروری آن به نحوی باشد که در جهت

رویکرد ساده ساز راست گرایانه با تأکید بر «شکست دولت» و برجسته تر کردن آن نسبت به «شکست بازار»، تمایل دارد که دولت ها را همانند هم بینند و آن ها را با یک چوب براند. اقتصاددانانی چون گوردون تالوک، جیمز بوکانان - از نظریه پردازان به نام رویکرد «انتخاب عمومی» و برنده ای نوبل اقتصاد - و آن کروگر بر این باورند که تفاوتی میان دولتمردان و کارگزاران بخش خصوصی از نظر تمایل به حداکثرسازی سود و منفعت شخصی وجود ندارد. بنابراین؛ از این منظر هر امکان و موقعیت دولتی از جمله سیاست های حمایتی تعریفه ای و یارانه ای می تواند زمینه را برای سوءاستفاده ای شخصی مقامات و مدیران دولتی فراهم کند. از همین رو، راه مواجهه با فساد و «رانت جویی»، در کوچک سازی حجم دولت و قطع کردن دست مدیران دولتی از چنگ اندازی به امکانات دولتی خلاصه می شود. یکی از مبانی نظری سیاست های موسوم به «تعدیل اقتصادی و تثبیت ساختاری» از جمله خصوصی سازی، ریشه در همین رویکرد دارد.

نقد
این رویکرد توجهی ندارد که میزان فساد و رانت جویی می تواند تحت تاثیر عوامل مختلفی باشد از جمله نظام جذب نیروی انسانی، معیارهای انتخاب مدیران، نظام تنبیه و پاداش، نظام ترفع و ارتقای نیروی انسانی، و بود یا نبود کنترل اجتماعی از طریق نهادهای مدنی مانند رسانه های آزاد. بنابراین، میزان آن می تواند از اقتصادی به اقتصاد دیگر - با حجم یکسانی از میزان دخالت - بسته به این شرایط متفاوت باشد. در واقع مفهوم دولت مصادیق متعددی دارد (اشتراک لفظی با مصادیق مختلف): دولت کارآمد و توسعه خواه، دولت ضعیف و دولت چپاولگر.

پرداختن صرف به میزان و درجه ای دخالت دولت به جای کیفیت دولت به نتیجه گیری نادرست می انجامد از جمله اینکه «رانت جویی» ریشه در حجم دخالت دولت در اقتصاد دارد. اگر دولتی دارای سازمان درونی قوی باشد و از طرف دیگر الگوی حامی پروری آن به نحوی باشد که در جهت

بخش صنعت نیز مهار می شود.

بنابراین، در اصل پرسش این است که منابع مالی ارزان قیمت در چارچوب الگوی حامی پروری دولت به دست چه افراد و نیروهایی می رسد؟ اگر بورس های آموزشی به افرادی تعلق گیرد که حداقل معیارهای علمی را ندارند و اگر اعتبارات ارزان قیمت به افرادی تعلق گیرد که حداقل معیارهای کارآفرینی را ندارند، نه تنها ظرفیت های تولیدی و علمی جامعه افزایش نمی یابد بلکه با انگیزش های منفی شدیدی که برای سایرین ایجاد می کند بر کارآیی اقتصادی تاثیر منفی می گذارد.

در عین حال، باید پرسید اگر مدیران فی نفسه رانت جو و در پی تامین منافع شخصی خود باشند، چرا باید سیاست هایی را اجرا کنند که منافع شان را تهدید می کند؟ اگر فرض بر صحت فرضیه ای ساده انگارانه ای «مدیر دولتی - رانت جو» در هر شرایطی گذاشته شود در این صورت باید انتظار فساد اقتصادی در فرایند کوچک سازی دولت از طریق خصوصی سازی را نیز داشت. یعنی، فقط شکل رانت جویی تغییر می کند. برای گزین از افتادن در دام این تناقض تنها یک راه وجود دارد و آن این که پیذیریم دولت ها بر مبنای سازمان دهی درونی شان و رابطه شان با نیروهای اجتماعی و همین طور بود یا نبود کنترل اجتماعی، توانمندی های متفاوتی حتی در اجرا و پیشبرد پروژه ای چون خصوصی سازی برخی از بنگاه ها دارند. در دولت های با کیفیت بالاتر میزان فساد پایین تر است. در جوامعی که دولت ها زیر ذره بین رسانه های آزاد قرار دارند میزان مسویت پذیری و پاسخ گویی بالاتر و میزان فساد کم تر است. در دولت هایی که دارای نهادهای تو در تو و موازی نیستند، «شکست در هماهنگ سازی سیاست ها» (Coordination Fail) نیز رخ نمی دهد یا به میزان کم تری رخ می دهد. چنین شکستی یکی از علل اصلی «شکست دولت» است؛ در واقع، در نبود حداقلی از هماهنگی میان اجزای تشکیل دهنده ای نظام حکمرانی، امکان اجرای برنامه و دخالت کارآمد دولت وجود ندارد. حداقلی از هماهنگی شرط لازم برای برنامه ریزی در هر سطحی است. برنامه چیزی نیست جز تلاش های هدفمند و سازمان یافته و هماهنگ در جهت نیل به اهدافی مشخص. در صورت نبود چنین هماهنگی، دولت چه کوچک و چه بزرگ دچار شکست می شود. بنابراین، مساله اصلی به جای میزان و درجه ای دخالت دولت، ماهیت و کیفیت درونی دولت است.

فرضیه ای «مدیر دولتی - رانت جو» تنها در دولت هایی مصدق بیشتری دارد که حکمرانی ضعیفی دارند. در چنین موقعیتی توصیه ای سیاستی مبنی بر کوچک سازی دولت از طریق خصوصی سازی، بدون تامین شرایط نهادی لازم و تغییرات اساسی در ماهیت درونی دولت، تنها به تغییر شکل مفسدہ ها می انجامد.

تجربه ای تاریخی

روسیه مصدق بارزی است که فرضیه ای بازار آزاد - سلامت اقتصادی را به شدت زیر سوال می برد. بعد از فروپاشی شوروی سابق، این کشور بر مبنای توصیه های سیاست بانک جهانی و صندوق بین المللی پول دست به آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی فراغیز در چارچوب رویکرد «شوك درمانی» زد. نه تنها چند سال بعد یعنی در اوخر دهه ۱۹۹۰ دچار بحران مالی قابل توجهی شد که تحت تأثیر بحران های مالی جنوب شرقی آسیا و مکزیک و آرژانتین بود بلکه به یکی از مافیاها و فاسدترین اقتصادهای دنیا تبدیل شده است. بر مبنای آمار مربوط به شاخص های بین المللی فساد در سال ۲۰۰۶ میزان شاخص فساد این کشور ۲/۵ از ۱۰ است (صفر بیشترین و ۱۰ کم ترین میزان فساد را نشان می دهد)؛ بر مبنای آمار مربوط به شاخص های حکمرانی بانک جهانی، میزان شاخص توانایی دولت روسیه در کنترل فساد ۲/۱ از ۱۰۰ است (صفر بیشترین و ۱۰۰ بهترین وضعیت را نشان می دهد). همین طور می توان به اقتصاد ایران اشاره کرد که به رغم آزادسازی ها و خصوصی سازی های انجام شده طی سال های ۱۳۷۰ به این سو، در این زمینه به ترتیب دارای ارقام ۴/۲ و ۴/۲۱ است. گسترش فساد و رانت جویی همراه با آزادسازی های اقتصادی و خصوصی سازی های انجام شده در کشورهای مختلف جهان آن چنان است که بانک جهانی ناچار از تغییر رویکرد خود شده است: گذار از رویکرد «اجماع واشنگتنی» بازارگرای لیبرالی به رویکرد «اجماع پسا واشنگتنی» نهادگرای اجتماعی. با این تجدید نظر، بانک سعی می کند به ماهیت درونی دولت و کیفیت آن در تامین اقتصادی سالم تر توجه کند.





اهمیت زیست محیطی جنگل‌های بلوط زاگرس و لزوم توجه جدی به حفاظت از آنها

مسیب حشمتی / نویسنده مسئول

محمد قیطروری / عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان کرمانشاه
حسین سلیمانی / مدیر کل منابع طبیعی استان کرمانشاه
مراد شیخ ویسی / معاون فنی اداره کل استان کرمانشاه
حمدیرضا الفت میری / کارشناس ارشد اداره کل منابع طبیعی استان کرمانشاه

قسمت دوم و پایانی



برای پایش و گشتزنی.

اشکال و عوامل تخریبی مورد اشاره به نوبه خود ریشه در عوامل کلیدی تری چون سطح معیشت جوامع محلی، توان و محدودیت های ادارات منابع طبیعی در انجام وظایف قانونی خود، سطح همکاری ادارات مرتبط، منابع مالی و کارآمدی نیروی تخصصی و اجرایی، قوانین و مقررات جاری، اعمال نفوذ افراد و نهادها، سطح آموزش و ترویج عمومی و رویکرد کلی دولت به منابع طبیعی دارد.

نتایج بررسی پیشینه تحقیقات و مطالعات در این زمینه عمدتاً اشاره ای است بر عوامل ملموس و متداول تخریب منابع طبیعی و بطور اخص جنگل‌های غرب کشور که می‌توان آنها را اشکال تخریب این جنگلها قلمداد نمود. در گذشته که ماشین آلات سنگین از قبیل تراکتور و بولدوزر وارد عرصه های کشاورزی و منابع طبیعی نشده بود، زغال گیری و قطع درختان جنگلی برای مصارف مختلف به عنوان مهمترین اشکال تخریب جنگلها بودند. در دهه ۱۳۳۰ تزدیک به ۷۰ درصد مردم در روستاهای زندگی می‌کردند (بی نام، ۱۳۹۱). در این دهه و چند دهه قبل و بعد از آن منابع سوخت خانوارهای روستایی و بخشی از خانوارهای شهری غرب کشور از جنگل تامین می‌گردید و به همین دلیل زغال گیری و سرشاخه زنی دو شکل مهم تخریب این جنگل ها بر اثر زغالگیری از بین رفته است (ثابتی، ۱۳۴۶). سرانه تخریب جنگل های غرب برای تامین سوخت ۷ تا ۸ متر مکعب در قبیل از انقلاب اسلامی بوده است (ثابتی، ۱۳۴۶).

آتش سوزی های عمدی برای تبدیل به اراضی کشاورزی نیز عامل مهمی در تخریب این جنگلها در گذشته بوده است (ثابتی، ۱۳۴۶) که شاید دلیل آن عدم امکان تخریب جنگل با گاو آهن گاوی در مقایسه با قدرت تراکتور و ادوات مکانیکی بوده است. عامل تخریب این جنگل ها چرای دام بوده و هست؛ زیرا دام عشاير و روستایی در منطقه زاگرس تراکم بیشتری داشته و مهمتر از آن گیاهان زیرا شکوب جنگل‌های غرب در مقایسه با جنگل‌های شمال (بویژه جنگل‌های متراکم آن) بهتر بوده و ورود دام نیز به آنها راحت تر است. بطور کلی مهمترین عوامل تخریب جنگل‌های زاگرس شامل

۵- اشکال و عوامل تخریب جنگل های زاگرس

تخرب و زوال جنگل‌های زاگرس مایه نگرانی کارشناسان و دست اندکاران واقف و دلسوز بوده است و تشدید این روند بر عمق این نگرانی ها افزوده است. مقدار تخریب سالانه منابع طبیعی کشورمان از جمله جنگل های زاگرس در دو دهه پیش ۱۳۰ هزار هکتار در سال برآورده شده است (فاتحی، ۱۳۷۲) در حالیکه با مشاهدات اجمالی میدانی روندی بیش از این را برای جنگل‌های زاگرس نمایان می‌سازد. اشکال و عوامل تخریب جنگل‌های غرب (زاگرس) متعدد است، اما شدت و اولویت عوامل در طول زمان بر حسب شرایط اقتصادی-اجتماعی جوامع محلی، توان و قدرت ادارات منابع طبیعی استانهای غربی، مدیریت و کارданی تصمیم گیران سازمان جنگلها، مرانع و آبخیزداری و سیاستها و برنامه های دولت متفاوت بوده است.

۱-۵ اشکال مهم تخریب جنگل‌های زاگرس

بررسی های میدانی نشان می دهد که اشکال تخریب جنگل‌های غرب به ترتیب اهمیت به شرح زیر است:

۱- تبدیل عرصه جنگل به اراضی کشاورزی (عمدتاً جنگل های مشرف به اراضی کشاورزی)

۲- سخم های لکه ای و پراکنده در سطح جنگل های تنک

۳- کاربری های غیر کشاورزی شامل:

- خطوط انتقال گاز

- معادن رویاز

- جاده سازی

- توسعه محدوده شهرها

تخرب و زوال

جنگل های زاگرس

مایه نگرانی

کارشناسان و دست

اندرکاران واقف و

دلسوز بوده است و

تشدید این روند بر

عمق این نگرانی ها

افزوده است. مقدار

تخرب سالانه

منابع طبیعی

کشورمان از جمله

جنگل های زاگرس

در دو دهه پیش

۱۳۰ هزار هکتار در

سال برآورده شده

است



نمودن واقعیت های تلخ چندان هم ساده نخواهد بود، اما تجربه نشان داده که آگاهی جامعه از این و حتی دست اندرکاران نسبت به اهمیت منابع طبیعی و پیامدهای ناشی از تخریب آنها به عنوان مقدمه صیانت از این منابع خدادادی است.

۶- ۳- جنگل کاری
جنگلکاری (afforestation) با بذر گونه های محلی به منظور واکاری نقاط تخریب یافته بر اساس نقشه های ممیزی اراضی و در قالب طرح های جنگلداری یکی از راهکارهای جبران مافات است. این امر مستلزم عزم جدی و فراهم نمودن امکانات و تجهیزات کافی از جمله داشتن نهالستان جنگلی (forest nursery) و استفاده از بذر گونه های بومی و ایجاد نهالستان در نزدیکترین محل به منظور حفظ شرایط طبیعی خواهد بود. بذرگیری بایستی زیر نظر متخصصین جنگل و از درختان با شادابی کافی و در سال مناسب باردهی که از قبل شناسایی و علامت گذاری شده باشند، به عمل آید (مصدق، ۱۳۷۸). بایستی توجه داشت که زادآوری و درصد سبز شدن بذر درختان بلوط به شادابی پایه های مادر و میزان استقرار نهالها به میزان مخروبه بودن جنگل بستگی دارد. تحقیقات فتاحی و توکلی (۱۳۷۸)، نشان می دهد که زنده ماندن نهالهای کشت شده بلوط محدود بوده و تا ۲۰ سال بایستی حفاظت گردد.

۶- ۴- پرهیز از کارهای مکانیکی حفاظت خاک در جنگل های زاگرس
 بخش عمده ای از جنگل های زاگرس بر روی سازندهای زمین شناسی حساس به فرسایش، تخریب و زمین لغزش قرار دارند و شیبدار بودن منطقه نیز این امر را حساستر نموده و تا حد امکان بایستی هر نوع جابجایی خاک را محدود نمود. اموری از قبیل جاده سازی، سدسازی، احداث شبکه های گازرسانی، تغییر کاربری، معادن رویا زنی اقدامات مکانیکی حفاظت خاک نیز بایستی با مطالعه دقیق و با حداقل ممکن انجام گیرد. یکی از مهمترین دلایل این امر خسارات اقتصادی زیاد ناشی از روند رو به گسترش این قبیل کارهای عمرانی است که در قالب تولید بخش زیاد رسوب در پشت سدهای ساخته شده (از جمله سد کرخه، گل آولدگی منابع آب، تشدید سیل و خسارات به اراضی کشاورزی است.

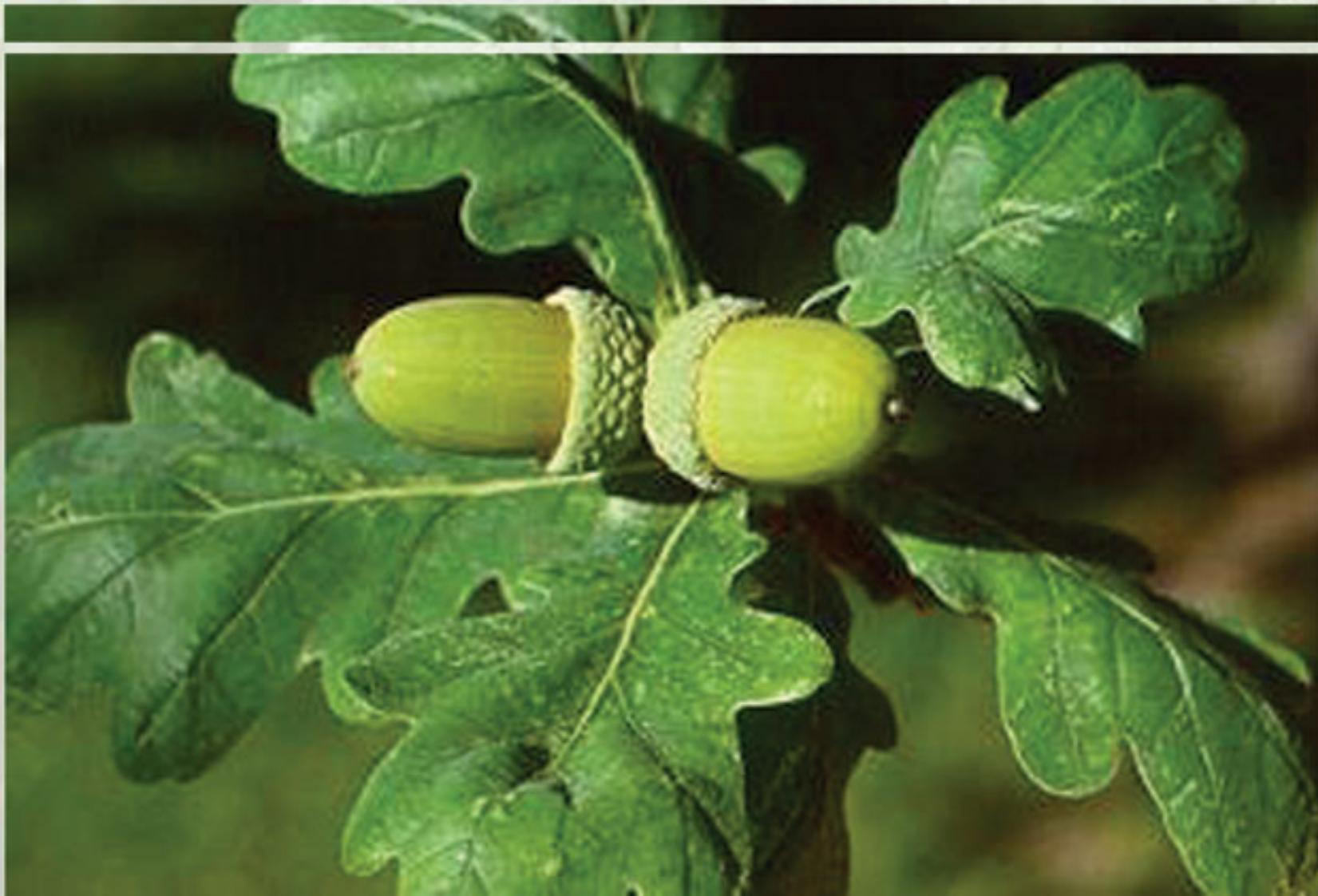
افزایش خانوارهای جنگل نشین و حاشیه آن، تغییر کاربری، تامین سوخت و سرشاخه زنی بوده است.

بیکاری پنهان و پایین بودن درآمد کافی ساکنین داخل و حاشیه جنگل های غرب موجب فشار مضاعف آنان برای بهره برداری بیش از حد و تغییر کاربری به منظور امرار معاش یکی از عوامل مهم تخریب جنگل های غرب است (طبابایی قصربانی، ۱۳۷۱). همچنین چرای دام، عدم آشنای جوامع محلی نسبت به پیامدهای تخریب و نابودی جنگل ها، نارسایی های پژوهشی و مطالعاتی و عدم برخورداری ادارات منابع طبیعی از نیروی انسانی کافی و کارآمد (بویژه نیروهای محلی) از دیگر عوامل تخریب این جنگلهاست (ثابتی، ۱۳۴۶).

۶- راهکارهای پیشرو
 حقیقت امر این است که کنترل روند رو به افزایش و نگران کننده تخریب و زوال جنگلهای زاگرس نیاز به عزم جدی کارشناسان، تصمیم گیران و متحول شدن رویکردهای فعلی دارد.

۶- ۱- مستندسازی اراضی ملی
 خوشبختانه قوانین تشخیص، تفکیک و نقشه برداری اراضی ملی شامل جنگل ها، مراعع، خربم رودخانه ها، رودخانه ها، تالابها و چمنزارها، کمک زیادی به مستندسازی برای این عرصه ها نموده است. در این راستا، سازمان جنگلهای مراعع و آبخیزداری نقشه اراضی ملی را در قالب پلاکهای ثبتی برای بیشتر نقاط ایران تهیه نموده است. با استفاده این نقشه ها میتوان شدت تخریب عرصه های جنگلی و حدود آن را بطور دقیق مشخص نمود تا برای برگرداندن آنها (روزی که عزم جدی وجود داشته باشد) اقدام نمود.

۶- ۲- اطلاع رسانی بیشتر کارشناسان و متخصصین منابع طبیعی
 متخصصین منابع طبیعی اعم از محیط زیست، آبخیزداری، جنگلداری، مرتعداری، بیابان زدایی و خاکشناسی و سایر متخصصین کشاورزی دوستدار محیط زیست بایستی به حفظ و بهره برداری اصولی از منابع طبیعی (آب، خاک و پوشش گیاهی) محل کار و زندگی خود حساس بوده و در قالب مقاله، نشریه، آموزش عمومی، انجام مناسب وظایف محوله، در این امر مشارکت فعال داشته باشند. گرچه این کار در عمل و با لحاظا





۶-۵ - توسعه مناطق حفاظت شده

معمولاً عرصه های جنگلی کوهستانی، شیبدار و دارای تراکم کمتر جمعیتی مناسب ایجاد پارکها، ذخیره گاه ها و مناطق حفاظت شده می باشند. این امر دارای مزایای زیادی به شرح زیر است:

- تشکیل بانک ژن طبیعی و غنی از گونه های گیاهی و حفاظت از آن؛
- ایجاد بستر مناسب حفاظت از گونه های جانوری؛
- نقش کلیدی در حفاظت از منابع آب و خاک و کنترل سیل، بویژه بر روی سازندهای مارنی و حساس به فرسایش؛
- عواید غنی زیست محیطی از قبیل کنترل آلودگی هوا، اخذ ذرات معلق (ریزگردها)، جذب گازکربنیک و تولید اکسیژن بیشتر؛
- هزینه کمتر حفاظت از آن در مقایسه با روش های جنگلکاری و اقدامات مکانیکی حفاظت خاک.

۶-۶ - کنترل آتش سوزیها

آتش سوزی انسانی یکی دیگر از عوامل تخریب این منابع با ارزش کشور است که منجر به کاهش کمیت و کیفیت درختان جنگلی، نابودی نهالها، کاهش ارزش حفاظتی و ایجاد خطراتی برای حیات وحش و جوامع انسانی شده است. گرچه این آتش سوزی ها در اثری احتیاطی رخ می دهد. استمرار آتش سوزی به دلیل شرایط توبوگرافی، مشکلات و محدودیت های اطفاء حریق نیز مؤثر بوده اند و لازم است که عرصه های جنگلی در معرض آتش سوزی شهرستانها بر اساس شرایط محلی، توبوگرافی، تراکم جنگل و عوامل وقوع به مناطق کاملاً بحرانی، بحرانی، نیمه بحرانی و عادی به منظور دستیابی به راهکارهای عملی و اولویت دار تقسیم بندی نمود (نادری و همکاران، ۱۳۸۸).

**توجه به سطح
معیشت و
دیدگاه های
روستاییان داخل و
حاشیه جنگلها نیز
یکی از رویکردهای
منتج به مشارکت
آنان در اجرای
طرح های جنگلداری
خواهد بود. در این
راستا توجه جدی به
بررسی اجمالی به لحاظ اقتصادی-اجتماعی گامی مؤثر در
پیشبرد اهداف طرح جنگلداری است (دارابی و همکاران، ۱۳۸۸). امروزه مشارکت
و نقش آفرینی سازمانهای غیردولتی در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی،
سیاسی و اکولوژیکی به طور روزافزونی در حال افزایش می باشد که به نوبه خود
منجر به افزایش مشارکت مردم، کاهش بار مالی دولت و حفظ منابع طبیعی
با هدف سازماندهی فعالیت مهندسان منابع طبیعی در عرصه های آموزشی،
ترویجی، اجرایی و حفاظت از جنگل ها و مراتع می باشد (غلامرضاei، ۱۳۸۸).**

**بخش عمده ای
از جنگل های
زاگرس بر روی
سازندهای
زمین شناسی
حسس
فرسایش، تخریب و
زمین لغزش قرار
دارند و شیبدار
بودن منطقه نیز
این امر را حساستر
نموده و تا حد
امکان باشیستی
هر نوع جابجایی
خاک را محدود
نمود.**



* سینا اعظمی
MBA
کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی
دستیار عامل توسعه خوش نان پرتجی
و شیرینی سنتی کرمانشاه

شناسایی و اولویت بندی خوش‌های کسب و کار استان کرمانشاه با استفاده از مدل تصمیم‌گیری سلسله‌مراتبی (AHP)

تاریخی تولید و اشتغال و یا برخورداری از شرایط محیطی برای رشد و نمو یک فعالیت می‌تواند خبر از وجود مزیت نسبی بدهد. با استفاده از متدولوزی پرسشنامه، مطالعه شناختی و امکان‌سنجی خوش‌ها، هفت کسب و کار درسطح استان به عنوان خوش‌شناسایی و معرفی گردیده‌اند:



- عنوان کسب و کارها:
 - خوش‌محصولات لبی از بخش صنایع تبدیلی
 - خوش‌مرغ و تخم مرغ از بخش کشاورزی
 - خوش‌پلی اتیلن از بخش صنعت
 - خوش‌سنگ و فرآوری آن از بخش صنعت
 - خوش‌فراورده‌های گوشتی از بخش صنعت
 - خوش‌گردشگری از بخش خدمات
 - خوش‌گیاهان دارویی از بخش کشاورزی

مقدمه:

تعريف خوش:

پژوهانه نظری پدیده ایجاد خوشی یا تجمیع را اولین بار آلفرد مارشال درنظریه صرفه‌های اقتصادی ناشی از تجمیع بیان کرد. در چارچوب این نظریه شرکت‌های کوچک درعین حال که رقبای طبیعی هم‌دیگرند، اعضای داخل یک شبکه مستقل هستند. آثار ناشی از تجمیع آنقدر می‌تواند محسوس باشد که مزایای رقابت صرفاً در چارچوب این تجمع می‌تواند معنا پیدا کند. مفهوم خوش‌های صنعتی به علت تازه بودن و عدم استحکام کافی در نظریه پردازی هنوز دارای ابهاماتی در تعریف و کاربرد است. هرچند ایده خوش‌صنعتی توسط پورتر در ۱۹۹۰ (Porter, ۱۹۹۰) شروع شد ولی پس از آن تعاریف متعددی از یک خوش‌صنعتی ارائه گردید. خوش‌های صنعتی عموماً به عنوان گروهی از بنگاه‌های تجاری و سازمان‌های غیرتجاری تعریف می‌شوند و عنصر کلیدی

چکیده:
 امروزه توسعه از طریق ابداع خوش‌ای نقش محوری و بارزی در سیاست‌های اقتصادی و صنعتی کشورهای توسعه یافته ایقا می‌نماید. به طور کلی، هرقدرنگاه به حل مسائل از سطح بین‌المللی، ملی به سمت منطقه‌ای و محلی، مبتنی بر قابلیت‌های پویای اجتماعی شکل یافته بر پایه فرآیندهای طبیعی پیش می‌رود، توجه به کسب و کار خرد در قالب شبکه ارتباطی قابل تعریف ذیل بحث توسعه خوش‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود.

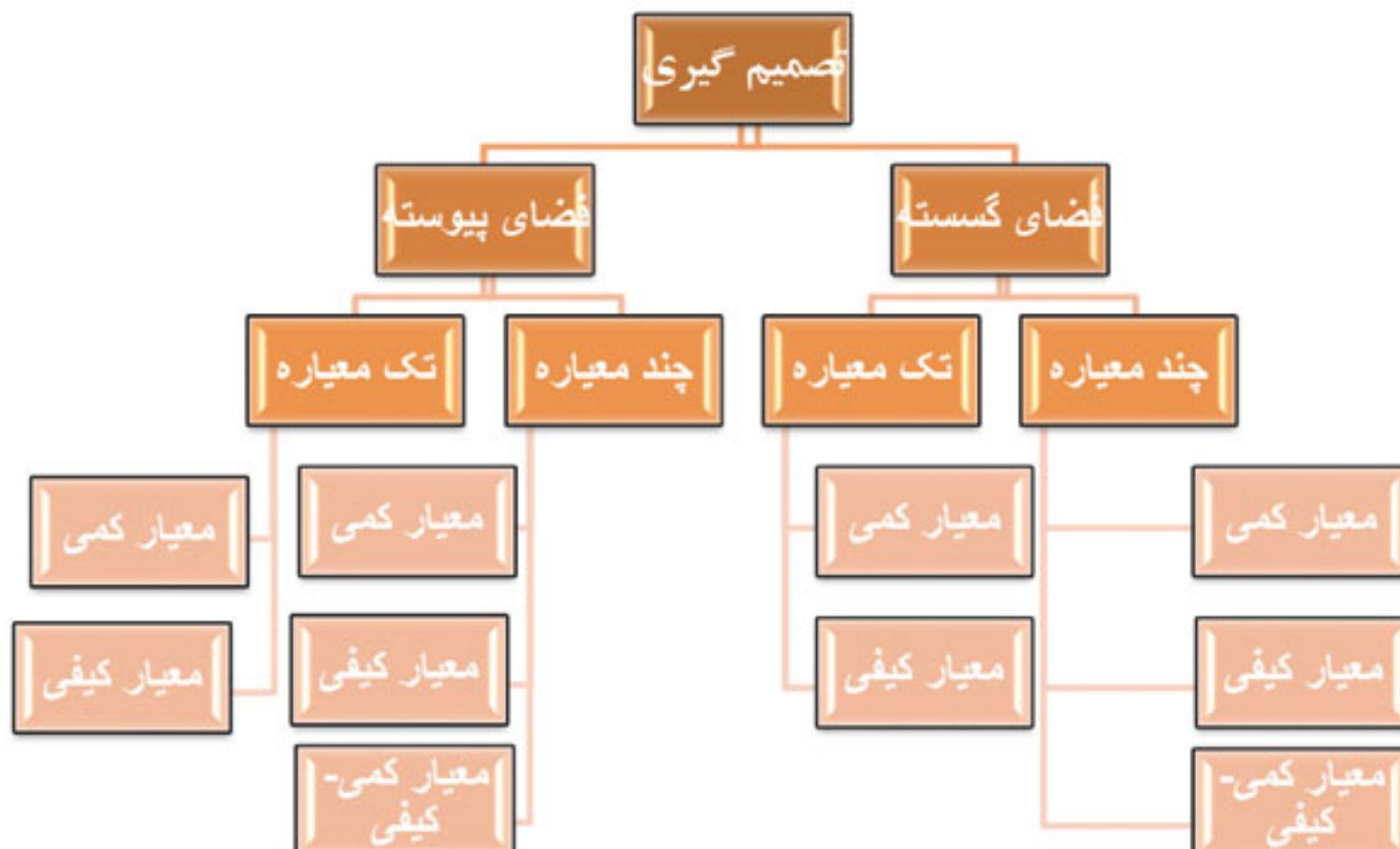
یکی از کارآمد ترین تکنیک‌های تصمیم‌گیری فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) Analytical Hierarchy process است که اولین بار توسط توماس ال ساعتی در ۱۹۸۰ مطرح شد. که بر اساس مقایسه‌های زوجی بنا نهاده شده و امکان بررسی سناریوهای مختلف را به مدیران می‌دهد. وجود مزیت در یک رشته فعالیت بر اساس شاخص‌های متعددی می‌تواند شناسایی گردد. در صورتی که به طور متوسط فعالیتی در یک منطقه نسبت به مناطق دیگر از سهم اشتغال یا تولید یا صادرات بیشتری برخوردار باشد، می‌توان این خصیصه را مبین وجود مزیت نسبی دانست. همچنین در صورتی که رشد درآمدها، فروش، اشتغال و یا صادرات در یک محصول یا خدمت در یک منطقه نسبت به مناطق دیگر در حال پیشی گرفتن بود، می‌توان این موضوع را به شکل گرفتن یک مزیت نسبت داد. از طرف دیگر وجود نهاده‌های محلی و سابقه





برای اعضای گروه، رقابتی عمل کردن آنهاست، آنچه این خوشة ها را به یکدیگر مرتبط می سازد، روابط متقابل بنگاه های عضو در آنها به عنوان خریدار و عرضه کننده نیازهای یکدیگر، استفاده از تکنولوژی های مشترک، خریداران مشترک، کاتال های توزیع مشترک، مشاوره و ذخیره نیروی کار همگانی است.

روش پیشنهادی: روش تصمیم گیری سلسله مراتبی (AHP) / اتواع حالت های تصمیم گیری در دیاگرام زیر قابل مشاهده است.



اصول فرایند تحلیل سلسله مراتبی

اصل ۱. شرط معکوسی (Reciprocal Condition)

(Homogeneity)

اصل ۲. همگنی (Dependency)

(Expectation)

اصل ۳. وابستگی (Expectation)

اصل ۴. انتظارات

سلسله مراتبی یک نمایش گرافیکی از مساله پیچیده واقعی می باشد که در رأس آن هدف کلی مساله و در سطوح بعدی معیار ها و گزینه ها قرار دارند، هر چند یک قاعدة ثابت و قطعی برای رسم سلسله مراتبی وجود ندارد. سلسله مراتبی ممکن است به یکی از صورت های زیر باشد:

هدف — معیارها — زیر معیار ها — گزینه ها

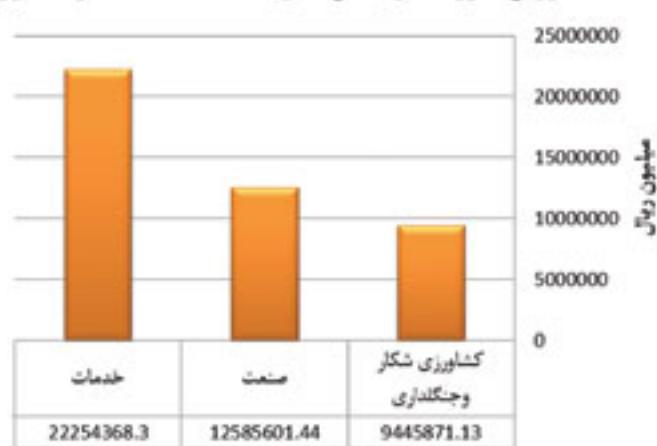
هدف — معیارها — عوامل — زیر عوامل — گزینه ها

وضعیت سرمایه گذاری در استان:

بنابر اطلاعات و آمار سند اشتغال و سرمایه گذاری استان کرمانشاه برای ایجاد یک فرصت شغلی به طور متوسط نیازمند ۲۰۹۵ میلیون ریال یا ۱۴۰ هزار دلار سرمایه گذاری می باشیم، که البته رقم فوق شامل سرمایه گذاری مستقیم و غیر مستقیم برای ایجاد یک فرصت شغلی است. اگر ملاک سرمایه گذاری سرانه را رقم فوق قرار دهیم، با توجه به تعداد فرصت های شغلی در هر یک از فعالیت ها در طول دوران برنامه ۵ ساله نیازمند ۳۶۰۰۵۴ میلیارد ریال سرمایه گذاری هستیم. معادل ارزی رقم فوق برابر با ۲۴ میلیارد دلار می باشد.

براساس آخرین ویرایش (سال ۱۳۸۸) جدول داده استانده استان:

ارزش افزوده در بخش های صنعت ، خدمات و کشاورزی



استانده در بخش های مختلف کسب و کار



- ۲-۱ - نسبت ارزش افزوده یا تولید خوش به کل ارزش افزوده یا تولید محصول در کشور
- ۲- توان اشتغالزایی خوش
- ۲-۱ - نسبت میزان اشتغال خوش به کل اشتغال استان
- ۲-۲ - متوسط میزان سرمایه گذاری مورد نیاز برای ایجاد یک شغل در خوش
- ۳-۲ - نسبت تعداد واحدهای خوش به کل واحدهای کسب و کار در استان
- ۳- توان پذیری خوش
- ۳-۱ - محل استقرار خوش در منحنی عمر شکل گیری خوش
- ۳-۲ - میزان سرمایه اجتماعی در خوش
- ۳-۳ - تعداد مزیتهای خوش
- ۴-۳ - وضعیت دسترسی به مواد اولیه
- ۵-۳ - وضعیت دسترسی به بازار محصول
- ۶-۳ - وضعیت دسترسی به منابع انسانی
- ۷-۳ - سطح تکنولوژی
- ۴- توان صادراتی خوش
- ۴-۱ - نسبت صادرات محصولات خوش به کل فروش
- ۴-۲ - نسبت صادرات محصولات خوش به کل صادرات استان
- ۴-۳ - نسبت صادرات محصولات خوش به کل صادرات محصول در کشور
- ۵- تعمیم پذیری تجربیات درسایر خوشها
- ۱-۵ - تعداد خوشها های مشابه در کشور
- ۶- قدمت خوش
- ۱-۶ - تعداد سالهای فعالیت واحدها

اولویت بندی بشرح جدول زیر بوده است:

محاسبه امتیاز های خالص هر خوش

امتیاز معیار نسبت به هدف مشخص	معیار	بُندهای خوش	بُندهای خوب	بُندهای متوسط	بُندهای نیمه خوب	بُندهای نیمه خوش	بُندهای بد	جمع کل امتیاز هر خوش
خوشه سنگ های تزئینی	خوشه سنگ های تزئینی	۰/۶۱	۰/۸۱	۰/۸۴	۲/۱۲	۰/۷۷	۱/۳۶	۰/۶۱
خوشه مرغ وتخم مرغ	خوشه مرغ وتخم مرغ	۷۶۶/۸۳	۰/۶۱	۰/۳۲۱	۰/۳۵۹	۳۶۰	۰/۷۴	۱/۵۶
خوشه لبنتیات	خوشه لبنتیات	۱۲۷۶/۶۶	۰/۸۵	۰/۵۱	۱/۰۷	۶۰۰	۲/۲۹	۰/۷۷
خوشه گردشگری	خوشه گردشگری	۸۰۸/۵۹	۱/۷۷	۱/۰۲	۰/۱۴۵	۲۸۰	۰/۷۶۷	۰/۲۸
خوشه فرآورده گوشتی	خوشه فرآورده گوشتی	۶۳۷/۵۳	۰/۳۲	۰/۳۲۱	۰/۲۲۵	۳۰۰	۰/۵۷۲	۰/۳۲
خوشه پلی اتیلن	خوشه پلی اتیلن	۱۳۲۰/۶۹	۰/۳۹	۱/۰۲	۲/۵۳	۶۲۰	۱/۸۴	۱/۲۵
خوشه گیاهان دارویی	خوشه گیاهان دارویی	۱۰۲۵/۰۰۹	۰/۱۹	۲/۳۹	۲/۱۱	۴۸۰	۰/۵۳۶	۲/۳۴

نتایج حاصل از انجام پروره اولویت بندی خوشها های کسب و کار شناسایی شده استان کرمانشاه:

- خوشه پلی اتیلن
- خوشه لبنتیات
- خوشه گیاهان دارویی
- خوشه گردشگری
- خوشه مرغ وتخم مرغ
- خوشه سنگ های تزئینی
- خوشه فرآورده های گوشتی

نتیجه گیری
اصلی ترین قابلیت های توسعه:
قرار گیری استان بر محور ارتباطی شمال غربی - جنوب غربی مسیر کریدور شرقی - غربی (جاده تاریخی ابریشم) برخورداری از زمینه های توسعه صنعتی بخصوص صنایع نفت و پتروشیمی و صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی و برخی کانی های غیر فلزی و قطعات خودرو از جمله اصلی ترین قابلیت های توسعه در سطح استان کرمانشاه به حساب می آیند.
ارتفاع سطح توسعه استان به عنوان یکی از قطب های چندگانه توسعه کشور، توسعه کمی و گیفی بخش صنعت در جهت تامین نیازهای استان و فرا استانی با تأکید بر صنایع نفت و پتروشیمی و صنایع پایین دست آن و صنایع وابسته و پیوسته به بخش کشاورزی و صنایع کانی غیر فلزی و قطعات خودرو، نهادینه سازی بهره وری و افزایش آن در بخش های اقتصادی و عوامل تولید و نیز توأم‌مند سازی بخش تعاونی برای ایفای فعالیت های گسترده و اداره بنگاه های اقتصادی بزرگ از مهمترین اهداف بلندمدت توسعه استان مرتبط با صنعت در استان می باشد.

راهبردهای بلندمدت توسعه استان:

- از جمله این راهبردها می توان به موارد زیر اشاره کرد.
- ایجاد زمینه های مناسب برای توسعه صنعتی استان و گسترش واحدهای صنعتی جدید در شهرک های صنعتی و توسعه صنایع معدنی، نساجی و پوشاک، غذایی، دارویی و تبدیلی کشاورزی.
- توسعه دامپروری و اصلاح ساختار جمعیتی دام استان با تأکید بر ایجاد واحدهای غیر مرکز صنعتی بر اساس تقسیم کار مناسب درون استان در نواحی شرقی، غربی و میانی استان.



KRCCIMA ۲۲

- جذب سرمایه های بومی و غیر بومی و خارجی از طریق تشویق و حمایت های خاص از اشخاص کارآفرین.

- ایجاد ساز و کارهای لازم و حمایت از افزایش بهره وری در بخش های اقتصادی و عوامل تولید.

با عنایت به اطلاعات بخش های قبل و جدول ارزش افزوده در بخش های مختلف صنعت، خدمات و کشاورزی و خوشه های کسب و کار شناسایی شده و با توجه به شاخص های مدنظر در روش AHP:

- توان تولیدی خوشه
- نسبت ارزش افزوده یا تولید خوشه به کل ارزش افزوده یا تولید استان

بین الملل

افق روشن اقتصاد آبه ای
معرفی استانهای کشور عراق / صلاح الدین
قوانین تجارت الکترونیکی
از ایسلند تا بورکینافاسو / آشنایی با ده کشور گردشگر دوست
گزارش مجله دیرا شپیگل از پیشرفت خیره گتنده اربیل
بوگاتی، رویای سرکش یک نابغه
فرصت سازی از تهدیدهای ناگهانی



افق روشن «اقتصاد آبه‌ای»

* نویسنده: جوزف آی، استیگلیتز
* منبع: پراجکت سندیکت
* مترجم: مریم رضایی

اشتباه می‌شوند. اول اینکه در نظر بگیریم در صورت عدم وجود این طرح های محرك مالی، اقتصاد ژاپن چه عملکردی داشت؟ با توجه به شدت انقباض منبع اعتبار پس از بحران مالی اواخر دهه ۹۰ در این کشور، تعجبی ندارد که هزینه‌های دولتی مانع بازیابی رشد اقتصادی شد. بدون وجود این هزینه‌ها، شرایط حتی ممکن بود بدتر از این شود، چون نرخ پیکاری هیچ وقت به بیش از $5/8$ درصد افزایش نیافت و در روزهای سخت بحران مالی جهانی، بیشترین نرخ آن $5/5$ درصد بود. دوم اینکه، هر کسی که به ژاپن سفر کند، متوجه مزایای سرمایه‌گذاری زیرساخت‌ها در این کشور می‌شود.

جالش واقعی، طراحی تیر سوم است؛ موضوعی که آبه به عنوان «رشد» به آن اشاره می‌کند. تحریک رشد، سیاست‌های معطوف به بازاری اقتصاد ژاپن، توسعه بهره‌وری و افزایش مشارکت نیروی کار به خصوص نیروی کار زن را دربرمی‌گیرد.

برخی افراد در مورد «آزادسازی اقتصادی» صحبت می‌کنند عبارتی که بعد از بحران مالی جهانی استقبال خوبی از آن نشده است. در حقیقت، اشتباه است که ژاپن از قوانین زیست محیطی یا مقررات بهداشت و ایمنی خود، عقب نشینی کند.

ژاپن به قوانین «صحیح» نیاز دارد. در برخی حوزه‌ها، دخالت بیشتر دولت مورد نیاز است تا بتوان رقابت تائیرگذارتر را تضمین کرد. اما در بسیاری از حوزه‌هایی که نیازمند اصلاحات هستند، باید در پیمان نامه‌های بخش خصوصی تغییر ایجاد شود، نه قوانین دولتی. آبه تنها می‌تواند در این موضوع تائیر داشته باشد، نه اینکه نتیجه را دیگته کند. به عنوان مثال، او از شرکت‌ها و نهادها خواسته میزان دستمزد کارگران را افزایش دهند و بسیاری از شرکت‌ها نیز پرداخت پاداش‌هایی بیش از حد معمول را در پایان سال مالی (نهایی ماه مارس) برنامه ریزی کرده بودند.

تلاش‌های دولت برای افزایش بهره‌وری در بخش خدمات، به طور خاص اهمیت خواهد داشت. به عنوان مثال، ژاپن برای بهره‌برداری از اشتراک مساعی بین بخش توسعه یافته بهداشت و درمان و قابلیت‌های تولید در کلاس جهانی، در جهت توسعه اینزارهای پزشکی، در موقعیت خوبی قرار دارد.

سیاست‌های مربوط به خانواده، همراه با تغییرات در قوانین کار، می‌تواند تحولات بیشتری ایجاد کند و به مشارکت بیشتر و موثر نیروی کار زن در ژاپن منجر شود. با اینکه دانش آموزان ژاپنی در مقایسه‌های بین‌المللی رتبه بالایی به دست می‌آورند؛ اما عدم تسلط کافی به زبان انگلیسی که زبان بین‌المللی تجارت و علم است، این کشور را برای رقابت در بازارهای جهانی در جایگاه پایین‌تری قرار می‌دهد. سرمایه‌گذاری بیشتر در آموزش و پژوهش مزایای زیادی خواهد داشت.

دلایل کافی وجود دارد تا باور کنیم که استراتژی ژاپن برای احیای اقتصاد این کشور به موفقیت خواهد انجامید؛ ژاپن سازمان‌های قدرتمندی دارد، از نیروی کار تحصیلکرده بهره‌می‌برد که مهارت‌های فنی عالی و هوش طراحی بالایی دارند و در نهایت اینکه در بیکی از پویاترین مناطق دنیا قرار گرفته است. همچنین این کشور از دیرباز به حفاظت از محیط زیست متعهد بوده است.

اگر طرح جامعی که آبه ایجاد کرده به خوبی اجرا شود، اطمینان عمومی فزاینده امروز، محقق خواهد شد. در واقع، در چشم انداز تاریک کشورهای پیشرفت‌دهنده دنیا، ژاپن از محدود نورهایی است که خواهد درخشید.

طرح شیزو آبه، نخست وزیر ژاپن، برای احیای اقتصاد این کشور، اعتماد عمومی داخلی را افزایش داده است. اما سوال این است که طرح «اقتصاد آبه‌ای» (Abenomics) تا چه حدی می‌تواند ادعای اعتبارزایی داشته باشد؟

اعتماد عمومی داخلی را افزایش داده است. اما سوال این است که طرح «اقتصاد آبه‌ای» (Abenomics) تا چه حدی می‌تواند ادعای اعتبارزایی داشته باشد؟

جالب توجه است که نگاه دقیق تر به عملکرد ژاپن طی دهه گذشته، افول اقتصادی چندانی را نشان نمی‌دهد. در واقع از زمانی که قرن جدید شروع شده، رشد تولید ژاپن به ازای هر کارگر شاغل، چشمگیر بوده است. با توجه به کاهش نیروی کار در ژاپن، نرخ رشد سالانه تولید به ازای هر کارگر شاغل در سال ۲۰۱۲ ۲۰٪ بیش از شروع طرح اقتصادی آبه ۳٪ درصد بوده است. این رقم در مقایسه با رشد تولید آمریکا در سال گذشته که رقم ناچیز ۰٪ درصد بوده و نیز رشد آلمان که تنها ۰٪ درصد بوده، بسیار قابل توجه است.

با این حال، همان طور که بسیاری از مردم ژاپن به درستی احساس می‌کنند، اقتصاد آبه‌ای تنها می‌تواند به بازگشت رونق اقتصادی این کشور کمک کند. آبه طرحی را پیاده کرده که بسیاری از اقتصاددانان، خواستار اجرای آن در آمریکا و اروپا شده بودند؛ یعنی طرحی جامع که سیاست‌های یولی، مالی و ساختاری را دربرگیرد. آبه این رویکرد سه گانه را مثل نگه داشتن سه تیری می‌داند که خم کردن هر یک از آنها به تنهایی آسان است، اما هر سه را با هم نمی‌توان خم کرد.

هاروهیکو کورودا، رئیس جدید بانک مرکزی ژاپن، با کوله باری از تجربه که در وزارت دارایی ژاپن و سپس ریاست بانک توسعه آسیا به دست آورده، به این سمت انتخاب شده است. طی بحران اقتصادی شرق آسیا در اوایل دهه ۹۰ میلادی، او مستقیماً شاهد شکست عقیده عمومی بود که وزارت خزانه داری آمریکا و صندوق بین‌المللی یول ایجاد کرده بودند. او که به دکترین‌های منسخ بانک‌های مرکزی اعتقادی ندارد، وعده داده رکود تورمی مزمن ژاپن را از بین برده و نرخ تورم را به ۲٪ درصد برساند. رکورد تورمی، بار بدی واقعی کشورها و همچنین نرخ بهره واقعی را افزایش می‌دهد.

با اینکه ایجاد تغییرات کوچک در نرخ بهره اهمیت چندانی ندارد، اما حتی اثر رکورد تورمی نه چندان زیاد بر بدی واقعی، به صورت سالانه، قابل توجه خواهد بود. موضع کورودا تاکنون ارزش بیش از حد ارزش یولی پذیری کالاهای ژاپنی را افزایش داده است. این امر به سادگی بازتاب دهنده واقعیت و استگی متقابل سیاست‌های یولی است؛ یعنی اگر سیاست معروف «تسهیل مقداری یول» فدرال رزرو آمریکا دلار را تضعیف کند، کشورهای دیگر مجبورند با جلوگیری از افزایش بیش از حد ارزش یولی خود، واکنش نشان دهند. یک روز نیاز است در زمینه سیاست یولی همکاری جهانی نزدیک تری وجود داشته باشد و اکنون منطقی است که ژاپن در برابر پیشرفت کشورهای دیگر واکنش نشان دهد هر چند ممکن است دیر شده باشد.

اگر در آمریکا توجه بیشتری به بلوکه کردن اعتبار می‌شد، سیاست یولی اثرگذارتر بود. به عنوان مثال، مشکلات تامین مالی مجدد صاحبان مسکن، حتی با وجود نرخ پایین بهره یا عدم دسترسی بنگاه‌های کوچک یا متوسط به سرمایه، حل می‌شد. این امید وجود دارد که سیاست یولی تازه ژاپن، بر این مسائل جیاتی متوجه شود.

اما آبه در سیاست اقتصادی خود، دو تیر دیگر هم دارد. منتظرانی که معتقدند طرح‌های محرك مالی در ژاپن در گذشته شکست خورده‌اند و تنها منجر به از بین رفتن سرمایه در زیرساخت‌ها شده‌اند، مرتکب دو





معرفی استانهای عراق

استان صلاح الدین SALAHUDDIN

6



ایهاب سلطانی

کارشناس روابط بین الملل

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمانشاه

هستند. در استان صلاح الدین تعداد زیادی باغ های انگور، درختان سیب و مركبات وجود دارد. در زمینه صنعت، یکی از مهم ترین کارخانه های پتروشیمی عراق یعنی پالایشگاه بزرگ بیجی در این استان قرار دارد. مراکز گردشگری به ویژه گردشگری دینی و آثار تاریخی و قدیمی از قبیل مناره سامرا و... از دیگر جاذبه های این استان هستند.



شهرستان تكريت:

شهرستان تكريت مرکز استان صلاح الدین است و در مرکز استان واقع شده است. به دليل رونق تجارت، مراکز تجاري متعددی در آن وجود دارد. كاخ های رياست جمهوري، كليسائي سبز و ... نيز در اين شهر قرار دارند که از آنها یعنوان جاذبه های تورistik استفاده می گردد.

جمعیت: ۱۶۲۰۰۰

مساحت: ۹۹۱ کیلومتر مربع

متوسط دستمزد نیروی کار: ۲۰-۳۰ دلار

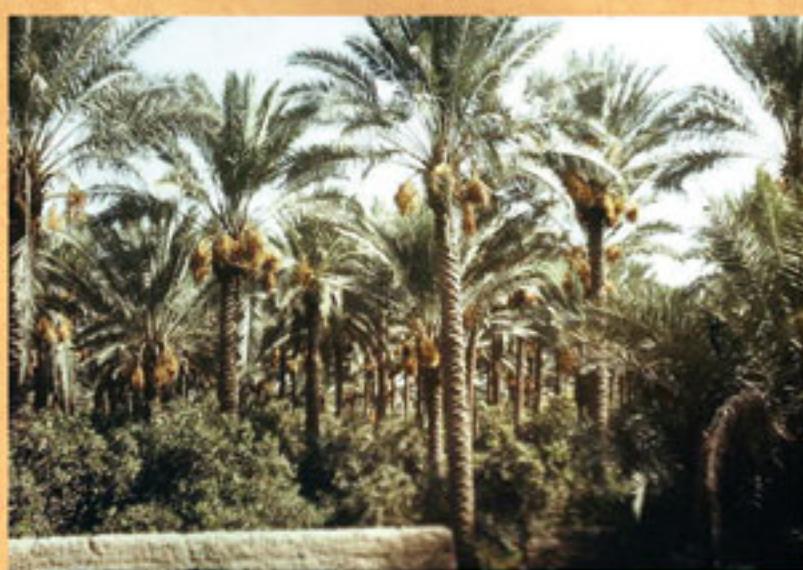
میزان تقاضا برای کالا: خوب

وضعیت معیشتی: متوسط - خوب

رونق بازار: خوب

کشاورزی: خوب

صنعت: خوب



مرکز استان: تكريت

شهرهای بزرگ استان: سامرآ، بیحی، بلد

مساحت: ۲۵ هزار و ۸۰۷ کیلومتر مربع

جمعیت: یک میلیون و ۳۴۹ هزار نفر (حدود ۴٪ کل جمعیت کشور عراق)

تراکم جمعیت: ۵۴ نفر در هر کیلومتر مربع

جمعیت شهر نشین: ۴۵٪

نرخ رشد جمعیت: ۲٪

نیروی کار: ۶۱۸ هزار نفر

مرزهای بین المللی: ندارد

فعالیت های اصلی: دامداری، پالایش نفت، خوراک دام و صنایع دارویی استان صلاح الدین در شمال بغداد واقع شده است و با منابع کشاورزی فراوان خود متمایز می شود. نام این استان برگرفته از نام صلاح الدین ایوبی، فرمانده عرب است.

آموزش

در استان صلاح الدین یک دانشگاه (دانشگاه تكريت با ۲۹۰۰ دانشجو)، ۲۶۹ دبیرستان، ۱۶ مدرسه فني و حرفه اي (بازرگانی، صنعتی و فني) و ۱۱ دانشسرای تربيت معلم وجود دارد.

بهداشت

در استان صلاح الدین ۹ بیمارستان، ۱۳ درمانگاه عمومی و ۳۰۲ پزشک وجود دارد که در این استان مشغول به کار هستند.

زیرساخت ها: یکی از راه های متنه به شمال که از بغداد به سمت سامرآ و تكريت کشیده شده است و در مسیر خود از بیجی هم میگذرد از اين استان عبور می کند و به موصل می رسد. جاده هایي وجود دارد که صلاح الدین را با تكريت، کركوك، بیجی، هوته و قائم (نقطه مرزی با سوریه) مرتبط می کند. خط آهن اصلی عراق که از شمال به جنوب کشیده شده است، از استان صلاح الدین می گذرد. در استان صلاح الدین چندین فرودگاه با باندهایی به طول بیش از ۶ هزار پا وجود دارد.

خلاصه ای از وضعیت اقتصادی

فعالیت اقتصادی استان صلاح الدین روی بخش کشاورزی متمرکز شده است. ۴۴ درصد از نیروی کار این استان در این بخش مشغول به کار

